

حضور نظامی امریکا در خلیج فارس، که تهدید دائمی علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است، باید پایان یابد

نامه مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۳۹۶
شماره ۳۹۶، ۱۳۵۹، مطابق با
۸ صفر ۱۴۰۱، ۱۵ ریل

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با انتشار اطلاعیه‌ای، مواضع کلی دولت را نسبت به وضع حساسی که در نتیجه جنگ تحمیلی رژیم صدام تکریدی به ایران، در منطقه خلیج فارس بوجود آمده است، روشن کرد. در بند یکم این اطلاعیه آمده است:

«جنگی که بر ایران تحمیل شده است، توسط رژیم صدام طراحی شده، بلکه او صرفاً وسیله‌ای برای اجرائی بوده است و پشت سر او دشمنان انقلاب اسلامی بوده‌اند که میخواستند این حکومت مردمی و الهی انقلاب اسلامی را از میان بردارند»

و چنانکه میدانیم، فردای هجوم خائنان رژیم «جائیکار» صدام به ایران، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (مهمترین دیگرس مقامات عالی‌رتبه مملکت) سرباست. این دشمنان انقلاب اسلامی را، که

دشمن سر رژیم صدام است، این است که در نتیجه جنگ تحمیلی، «صدام» به تحریک امریکاییان حقیقتاً، «ایران در حال جنگ است با امریکه»

وزارت امور خارجه، ضمن اشاره به اینکه دشمنان ایران «تفاهاتشان بر ملا شده و صورت‌ها و اهرشان صورت تحق پیدا نکرده و رژیم صدام قربانی این نقشه شده و در سراسری سقوط افتاده است»، اظهار «یقین» کرده است که این دشمنان «در اندیشه نقشه دیگری تا از راهی دیگر ضربه خورش را وارد کنند»

مسئله این حداد بیجا و بی‌موقع است که بارها از سوی نیروهای راستین انقلاب و هواداران پیدار و یکتای جمهوری اسلامی ایران بیان گردیده و اینک از جانب وزارت امور خارجه نیز تأیید گردیده است.

وزارت امور خارجه در بند دوم از اطلاعیه رسمی خسوس، با

«بشپتیانی» از «بشپتیانی» بدین معنی کردند و گفتند: «صدام» به تحریک امریکاییان حقیقتاً، «ایران در حال جنگ است با امریکه»

وزارت امور خارجه، ضمن اشاره به اینکه دشمنان ایران «تفاهاتشان بر ملا شده و صورت‌ها و اهرشان صورت تحق پیدا نکرده و رژیم صدام قربانی این نقشه شده و در سراسری سقوط افتاده است»، اظهار «یقین» کرده است که این دشمنان «در اندیشه نقشه دیگری تا از راهی دیگر ضربه خورش را وارد کنند»

مسئله این حداد بیجا و بی‌موقع است که بارها از سوی نیروهای راستین انقلاب و هواداران پیدار و یکتای جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی (مهمترین دیگرس مقامات عالی‌رتبه مملکت) سرباست. این دشمنان انقلاب اسلامی را، که

امریکا و دول صاحب قدرت را در نزدیکی منطقه شدیداً محکوم کرده است. یار دیگر تأکید می‌کند: «همانگونه که در گذشته اعلام داشته‌ایم، صرف نظر از اعمال حق قانونی ایران در رابطه با دولت یا دول متخاصم منطقه، تا آنجا که به ایران مربوط است، باز تکمیلش تنگ هرگز را تضمین می‌کنیم و با تقاضای اصول انقلابی و اسلامی خورش مخالفت خود را با حضور هرگونه پایگاه نظامی خارجی وابسته به ابرقدرت امریکا یا هر قدرت دیگر در خلیج فارس را اسلام می‌کنیم و معتقدیم که این مخالفت نهایتاً منافع مردم منطقه را حمایت خواهد کرد»

وزارت امور خارجه در بند چهارم از اطلاعیه منتشره، عدم تجاوز به آب و خاک دیگران و احترام به تمامیت ارضی دیگر کشورها، از جمله کشورهای منطقه

مواضع دشمن در اطراف جاده آبادان

ما همیشه بمباران شد

جنايتكاران صدامی، مناطق مسكونی اهواز و دزفول را با توپخانه مورد حمله قرار دادند

نبرد دلاران انقلاب با مزدوران صدام در جبهه‌های نبرده طی دوروز گذشته نیز ادامه یافت و ضربات دیگری بر دشمن جنايتكار وارد آمد.

خبرنگار خبرگزاری پارس از جبهه خونین شهر گراش داد:

شدیدترین آتش توپخانه در یکی از جبهه‌های شرقی خونین شهر، از عصر روز شنبه تا پانجمداد یکشنبه بین مدافعان انقلاب و متجاوزین صدامی جریان داشت.

گزارش خبرگزاری پارس از این جبهه حاکیست:

نبرد در صحنه ۲

در صفحات بعد

تفسیرهای سیاسی

محاكمه گروه چهار نفره در چین
نماینگر ادامه مبارزه بغاظر قدرت در درون رهبری کتونی چین

یهشت ضیاء الحق

کارگران ووزارت کار و امور اجتماعی

دهقانان آماده‌اند تا تجاوز صدام آمریکائی را سرکوب کنند

روش جدید سرمایه‌داران بزرگ برای مقابله با انقلاب

سرمایه‌داران بزرگ سرمایه‌داری که از تعمیق انقلاب و اقدامات خلقی مستولین جمهوری اسلامی ایران بوحشت افتاده‌اند، روش جدیدی برای مقابله با انقلاب در پیش گرفته‌اند.

بر اساس این روش، عوامل آنها در نقاط مختلف به تبلیغات علیه دولت و اقدامات آن در زمینه اقتصادی، صنعتی، فرهنگی و اجتماعی با وارونه جلوه دادن مسامحت اعمال مسئولین در مردم ایجاد شک و تردید کنند.

انتخاب یکی از این افراد در خیابان ۱۶ تری امیری، مردم را دور خود جمع کرده و به دعوای پراکنده مشغول بود. او که برای حفظ ظاهر تهریزی هم داشت و دائماً سعی می‌کرد، به مردم می‌گفت: «ملکتم را کوشش کرده‌اند و به دعوای می‌گویند که اسلامی است»

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران به کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا

بمناسبت تشکیل دومین کنگره حزب کمونیست کوبا

آزادی بخش بسیاری از خلق‌های جهان را، بویژه در آمریکای لاتین، الهام بخشید.

مردم و زحمتکشان کوبا، در پرتو رهبری حزب کمونیست کوبا، که در راس آن رفیق فیلیپ کاسترو قرار دارد به دستاوردهای چشمگیری در همه گستره‌های زندگی اجتماعی دست یافته‌اند. این دستاوردها بویژه از اهمیت شکر و ستایش‌انگیز است، که علیرغم نسیسه‌های تبه‌کارانه و پایدار امریکالیسم آمریکای علیه کوبا، انقلابی در پهنه‌های گسترده سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی، حاصل شده است.

نیروهای دمکراتیک و مترقی جهان برای کمک و همبستگی

آزادی بخش بسیاری از خلق‌های جهان را، بویژه در آمریکای لاتین، الهام بخشید.

مردم و زحمتکشان کوبا، در پرتو رهبری حزب کمونیست کوبا، که در راس آن رفیق فیلیپ کاسترو قرار دارد به دستاوردهای چشمگیری در همه گستره‌های زندگی اجتماعی دست یافته‌اند. این دستاوردها بویژه از اهمیت شکر و ستایش‌انگیز است، که علیرغم نسیسه‌های تبه‌کارانه و پایدار امریکالیسم آمریکای علیه کوبا، انقلابی در پهنه‌های گسترده سیاسی، اقتصادی، نظامی و تبلیغاتی، حاصل شده است.

نیروهای دمکراتیک و مترقی جهان برای کمک و همبستگی

مدیرکل دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی: دوره تحصیلات عمومی، اجباری و رایگان میشود

آقای محمد کاظم تائیدی، مدیرکل دفتر تحقیقات و برنامه‌ریزی درسی، طی یک گفتگو با روزنامه اطلاعات، پیرامون نحوه تغییر نظام آموزشی، توضیحاتی داد. او در مورد نظام آموزشی جدید گفت: «در نظام آموزشی جدید دو دوره قبل از دانشگاه بیشتر نخواهیم داشت: یکی دوره تحصیلات عمومی هشت که برای عموم مردم لازم و ضروری و رایگان است و حتی جزء فرایض دینی عموم مردم است و طبق قانون اساسی، دولت موظف است که تمام امکانات را در این زمینه برای مردم فراهم کند»

در این دوره عمومی ما باید فرد را برای زندگی کردن در یک جامعه اسلامی آماده کنیم، صرف نظر از شغلی که پیدا می‌کند. انتخاب بکنند، مثلاً باید خواندن و نوشتن را با اندازه فیم و درک‌پذیرند به قوانین مملکتی آشنا شوند، بلدند چه کسی را باید انتخاب کنند و انتخاب شوند. دارای چه شرایطی باشند، ریاضیات را با اندازه رفیع جوامع زندگی باید بیاموزد. همه کسانیکه بعد از اجرای طرح نظام آموزشی جدید در ایران متولد میشوند، باید این دوره را بسوزن استثناء بکنند.

حدت این دوره هشت سال تعیین شده که میتوانیم آنرا دوره عمومی یا هدایت و ارشاد بنامیم. بطور کلی و خلاصه این دوره برای آشنا کردن مردم به آنچه که در جامعه به آن نیاز دارند، می‌باشد. واضح است که ما نمیتوانیم این دوره را از مقطع اول راهنمایی شروع کنیم، بلکه باید آنرا از اول شروع کرد و سن در نظر گرفته شده برای ورود باین دوره از شش سالگی می‌باشد»

نامه همدرد - ما ضمن تأیید این تصمیم صحیح و بجای، در مورد اظهارات آقای کاظم تائیدی، نظر خود را بعداً بتفصیل منتشر خواهیم ساخت.

حجت الاسلام موسوی خوئینی‌ها:

یکی از افرادی که در آنجا بود، از این شخص دلیل حرفش را پرسید، او دجیر بنده کلاه‌های ضروری مردم را مطرح کرد و از مشغول هیاهو و جنجال بود که خانم بیجه به بغلی خود را نزدیک کرد و به او گفت: با این کار (کوبیدن دادن) دیگر سرمایه‌دارها نمی‌توانند کلاه‌های لازم را احضار کنند. ما هم به قیمت عادلانه چنین‌مان را می‌خریم.

این جواب دندان‌شکن، که با تأیید مردم روبرو شده، باعث سکوت آن شخص مسلمان‌نسا گردید و وی از آنجا رفت. دو روز بعد مرد دیگری در جلوی دانشگاه همان حرف‌ها را تکرار می‌کرد.

ما ضمن جلب توجه مقامات مسئول، خواستار برخورد جدی‌ترانه با این عناصر ضدانقلابی و وابسته هستیم.

حجت الاسلام موسوی خوئینی‌ها:

در پاسخ سؤال: «فما جیه رهنودها و یا پیشنهاداتی برای وزارت امور خارجه دارید، گفت: «وزارت خارجه باید به این نکته دقیقاً توجه کند که وزارت خارجه دولت ما در زمان شامدر روابط خارجی به سمتی میرفت که دقیقاً بعد از پیروزی انقلاب به آن سمت نمرود. وقتی که ما بوضعیت وزارت خارجه مان نگاه می‌کنیم، میبینیم که در زمان شامدر اصولاً سیاست خارجی ایران در وزارت خارجه و در دولت ایران تعیین نمی‌شد. سیاست خارجی ما در آمریکا تعیین می‌شد. ایران درست در چانه آمریکا قرار گرفته بود و به هر سمتی که آمریکا حرکت می‌کرد، ایران هم می‌بایست به آن سمت

بعنوان شاخص و بعنوان يك میزان، امریکا همیشه دشمن است

خارجت‌مداریم، ما باید در سیاست خارجی‌مان به وزارت خارجه و به وزیر امور خارجه، به‌اندازه که بعنوان شاخص و بعنوان يك میزان، امریکا همیشه دشمن است. ما همیشه در رابطه خارجی خود با امریکا بعنوان یک دشمن نگاه می‌کنیم. رابطه ما با امریکا راهی ما و یک دشمن قدرتمند اصل است و مسئله دیگر مسئله اسرائیل است. در سیاست خارجی ما اسرائیل بعنوان يك دولت غاصب محسوب می‌شود. ما مستقیم که این دولت غاصب باید از زمین برود و آنهایی که در فلسطین اشغال، که هم‌اکنون بنام اسرائیل خوانده می‌شود، هم از مسلمانان، یهودیها، مسیحیها و آنها که اهل آنجا هستند و زندگی می‌کنند، تشکیل یک دولت بدهند، به هر شکلی که خودشان میخواهند، اما دولت اسرائیل

نبرد در صحنه ۲

دشمن اصلی مردم ایران

اعلامیه مشترک سازمان‌های دانشجویی کشورهای منطقه به حمایت از انقلاب شکوهمند مردم ایران: دانشجویان جهان تجاوز رژیم ضد مردمی صدام و توطئه‌های امپریالیسم آمریکاعلیه جمهوری اسلامی ایران را محکوم میکنند

نمایندگان سازمان‌های دانشجویی منطقه، که برای شرکت در سیزدهمین کنگره اتحادیه بین‌المللی دانشجویان به برلین پایتخت جمهوری دموکراتیک آلمان - سفر کرده بودند، در یک گردهمایی که به دعوت هیئت نمایندگی سازمان جوانان قوه ایران برگزار شد، شرکت کردند و با اشیاء اعلامیه‌ای، توطئه‌های امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم آمریکا، علیه جمهوری اسلامی ایران - از جمله تجاوز رژیم ضد مردمی صدام - را قاطعانه محکوم کردند. متن این اعلامیه چنین است:

بیاتیه دربارهٔ تشدید تجاوزات امپریالیسم در منطقه و جنگ تجاوزکارانه رژیم عراق علیه جمهوری اسلامی ایران:

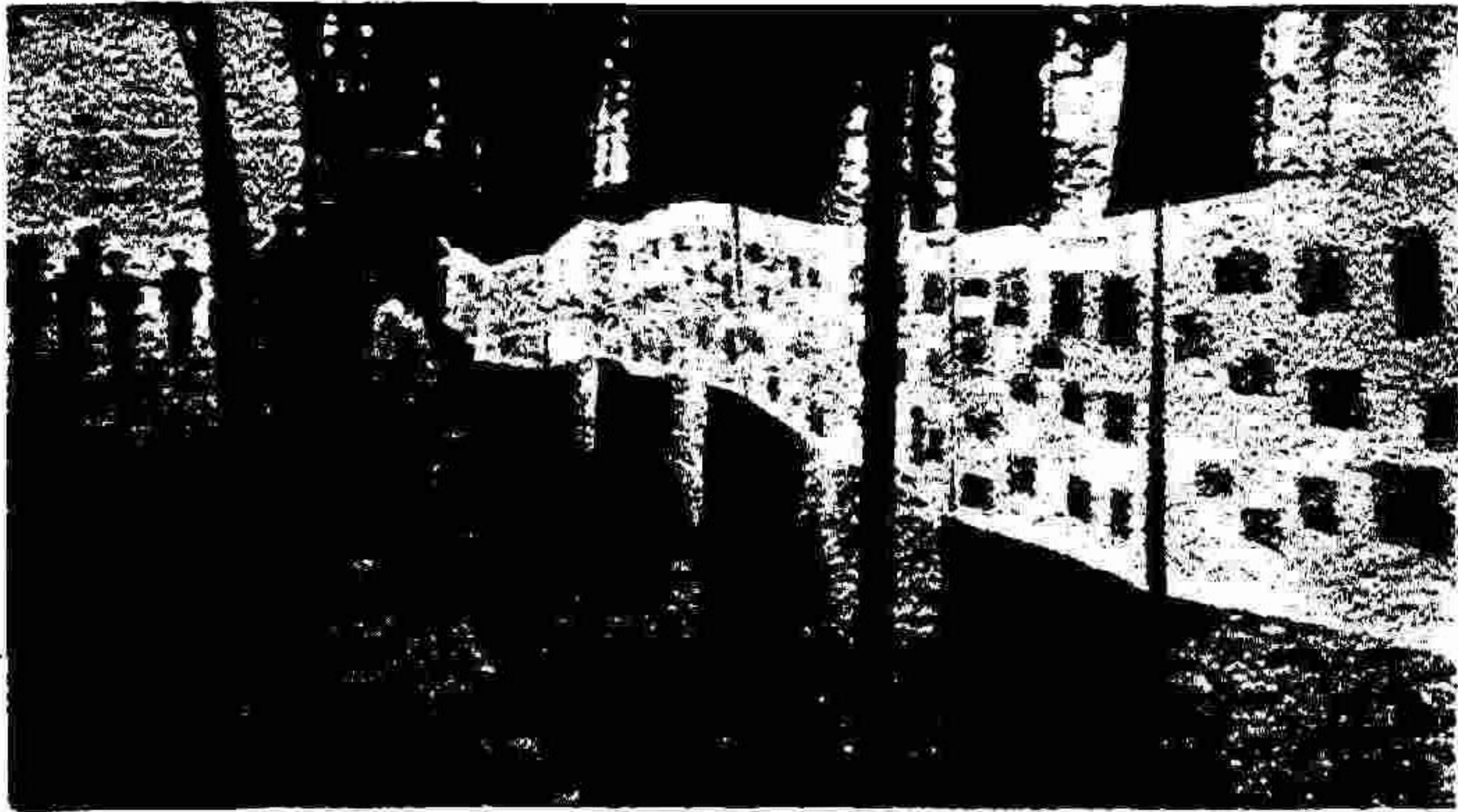
ما اعضاءکنندگان زیر از:

- انقلاب ضد امپریالیستی، دموکراتیک و خلقی مردم ایران به رهبری امام خمینی،
- مبارزه عادلانه مردم ایران منظور دفاع و صیانت از انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران و دستاوردهای آن،
- مبارزه عادلانه مردم ایران علیه تجاوز رژیم صدام، که توسط امپریالیسم طرح‌ریزی شده،
- انقلاب ضد امپریالیستی و ضد دیکتاتوری مردم عراق،
- تصرف باصلاح سفارت ایالات متحده آمریکا در ایران، که در واقع لانه جاسوسی و توطئه علیه انقلاب ایران و کشور - های مترقی همسایه، نظیر اتحاد شوروی و افغانستان بود،

حمایت می‌کنیم:

- تجاوز رژیم دیکتاتوری و ضد خلقی عراق، که توسط امپریالیسم آمریکا طراحی شده و هدف آن درهم شکستن انقلاب رهایی‌بخش مردم ایران و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران است،
- تشییق، تقییب، اعدام و ترور رزمندگان انقلابی کونیست و سلفان توسط رژیم دیکتاتوری صدام حسین،
- حمایت امپریالیسم و رژیم‌های ارتجاعی عرب نظیر رژیم عربستان سعودی، اردن، مصر، شیخ‌نشین‌های خلیج فارس و جمهوری عربی یمن (یمن شمالی) از رژیم صدام،
- سیاست امپریالیسم آمریکا و متحدین آن به منظور ادامه

نمایشگاهی از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران در شهرستان رشت



از طرف اعضاء و هواداران حزب توده ایران در شهرستان رشت، نمایشگاهی از مبارزات مردم ایران علیه امپریالیسم آمریکا در باغ محترم این شهرستان برپا شد. این نمایشگاه که از ۶ آذرماه ۵۹ دایر شده بوده دربرگیرنده طرح‌هایی از مبارزات ضد امپریالیستی مردم ایران، عکس‌هایی از دل‌آوردیهای پاسداران و سرایان مبین ما در جبهه‌های جنگ تحمیلی و همچنین تشالهایی از رهبر انقلاب بود. این نمایشگاه در مدت‌برپایی خود با استقبال پرشور مردم این شهرستان روبرو شد.

کمک‌های سازمان حزب توده ایران در سمنان

سازمان حزب توده ایران در سمنان و همچنین سازمان جوانان توده ایران در سمنان نیز از مبارزات مردمی در جبهه جنگ کشور را به جبهه‌های جنگ کشور تاجران کرده‌اند. این دو سازمان تاکنون مجموعاً حدود ۴۰ هزار ریالیول نقد و مقادیری نقد و شکر، نان، میوه‌های تازه، کفش، کپورت، برنج، دارو، لباس و مقداری پتو به جنگ‌کنندگان کشور احدا کرده‌اند.



تعمیب و بازرسی هواداران حزب توده ایران در خرم‌آباد

۲۲ تن از هواداران حزب توده ایران در خرم‌آباد، هنگام خروج از خانه، توسط عناصر مشکوک بدون مجوز قانونی، موردبازرسی بدنی قرار گرفتند. عناصر از عناصر مشکوک موردبازرسی بازرسی بدنی قرار گرفتند. این عناصر رفقایی ما را هنگام خروج از منزل تعقیب کرده بودند. ما ضمن اعتراض به این عمل غیرقانونی، از مقامات مسئول می‌خواهیم که مانع فعالیت این عناصر مشکوک شوند.

محل فروش نشریات حزب توده ایران در مرودشت توسط عوامل ضد انقلاب به آتش کشیده شد

گروهی از عناصر ضد انقلابی در مرودشت، با استفاده از تاریکی شهر از محل فروش نشریات حزب توده ایران در مرودشت طی تماس با سواهد پاسداران این شهر، خواستار تعقیب قانونی عاملان این حادثه شدند. مسئول روابط عمومی سواهد پاسداران شهرستان مرودشت، ضمن ابراز تأسف از این حادثه تأکید کرد که عاملین این حمله تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت. ما نیز ضمن محکوم کردن این اقدام ضد انقلابی، توجه مقامات مسئول را به نیات و اهداف عاملین این حوادث جلب‌کنیم و خواستار دستگیری و مجازات عناصر ضد انقلابی هستیم.

خبرنگار نامه مردم، در تبریز را آزاد کنید!

خبرنگار نامه مردم در تبریز و دو تن از هواداران حزب توده ایران در اردبیل به اتهام‌های واهی از سوی دامن‌سرایان انقلاب این دو شهر بازداشت شده‌اند. خبرنگار نامه مردم در تبریز و دو تن از هواداران حزب توده ایران در اردبیل در تاریخ ۱۱ آذر ۵۹ به این علت که کاندید

بمعنوان شاخص...

دولت غاصب است. بنابراین در سیاست خارجی، ایران باید در جهت بیخ همه سلطنتان دنیا به سمت ازین‌بردن این دولت غاصب‌پسند و در دنیا آن‌کسورهای که مستقیماً در دست‌های اسرائیل می‌ایستند، در سیاست خارجی باید از دوستان ما باشند و با آنها رابطه‌مان باید نزدیک باشد. کسانیکه از کشورهای اسلامی و عربی به‌نحوی به اسرائیل کمک می‌کنند و رابطه دوستی با آن کشور دارند، یا حاضر نیستند برای ازین‌بردن این دولت

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران

بچه از صفحه ۱ و دشمن اصلی خلق ماست. امپریالیسم آمریکا، پس از آنکه این سیب‌های انقلاب - براندازان ما را شکست‌دهنده و سرکشی‌کاران ما را سرکشی‌کاران خود را به خلق ما از سرگردان و بی‌ایمان نیز عزم ریخ و فداکاری‌های بی‌شماری خلق ما این نقشه شیطانی را با ناکامی مقصودانه مواجه ساخت. توده‌ایها، که از آغاز انقلاب دوش بدوش دیگر هم‌پیمان خود - مبارزان سلفان هوادار امپریالیستی و دموکرات‌های انقلابی و دیگر قشرهای خلقی - در راه پیشبرد هدفهای ضد امپریالیستی و خلقی انقلاب ۱۳۵۷ زنده‌مانده، اینبار نیز در صفوف پیشانی جبهه جنگ، با ایثار خون خور، پدافعت از انقلاب ایران و جمهوری اسلامی ایران مشغولند. انقلاب ایران اینک، از نظر کیفی، در آستانه مرحله‌ای نوین قرار دارد. مهم‌ترین ویژگی این مرحله نبرد طبقاتی حادی است که میان نیروهای خلقی و نیروی زرفتن انقلاب از یکسو و یوزروازی لیبرال و ضد انقلاب از سوی دیگر جریان دارد. یوزروازی لیبرال، که به اقتضای سرشت

کمیته مرکزی حزب کمونیست کوبا

رفقای گراما! با نهایت سلسگوزاری از دعوت از حزب توده ایران برای گسیل نمایندگان برای شرکت در کنگره دوم حزب کمونیست کوبا، بهت محدودیت‌هایی که در نتیجه جنگ تجوزی و تصمیم دارنده صدام حسین علیه جمهوری اسلامی ایران، در زمینه خروج از کشور پدید آمده‌است، متأسفانه اینک این امر را این‌لحظه ممکن نیست. از این جهت جمهوری که به پیام شادباشی به کنگره شما اکتفا ورزیم. با درودهای رفقانه کمیته مرکزی حزب توده ایران تهران: ۲۴ آذر ۱۳۵۹

حضور نظامی ...

بچه از صفحه ۱ خلیج فارس و کشورهای همجوار، از آیه‌های انقلاب اسلامی ملت ایران، سرور و متقابلاً رعایت سادقانه آنرا از دیگران خواستار شده است. و بالاخره بند پنجم اعلامیه وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران «گردشگریهای مشکوک و شبه‌دیپلماتی را که هدفی جز توطئه و ایجاد ناآرامی بیشتر در منطقه خلیج فارس ندارند محکوم کرده شد» که میباید است. تا به استیانت است آنها «تمامی کوشش خود را برای بازرس گرفتن سرزمینهای غصب شده توسط اسرائیل متجاوز و قسم مقصود بکار گیرند که در اینصورت خواهند دید ایران انقلابی در پیشانی همگان خواهد بود». این تذکر وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، با در نظر گرفتن گردهمایی‌هایی نظیر کنفرانس سران مرتجع رژیم‌های وابسته کشورهای عربی، که چندین پیش در پایتخت اردن برگزار شد - و با شکست مواجه گردید - و تلاش آمریکا و دست‌نشاندها برای ایجاد بلوک‌بندی نظامی جدید (نظیر سنتو) در منطقه، اهمیت ویژه‌ای کسب میکند. وضع بسیار حساس منطقه خلیج فارس و توطئه‌های گسترده و خطرناک امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران، که در حقیقت علیه منافع واقعی همه خلقهای منطقه است و امنیت و صلح را در منطقه و در جهان تهدید میکند، دقت نه‌تنها دولتهای جامعه کشورهای سوسیالیستی، بلکه توجه کشورهای غیرتبعیه صلح‌دوست و مترقی، از کوبا تا هند، را بخود جلب کرده است. برخلاف آنچه که پیشینیا قلمداد میکنند، و بویژه در نتیجه

برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

تفسیرهای سیاسی

یکی از بزرگ ترین ثمرات انقلاب ایران، جلب توجه های وسیع مردم به سیاست است. این خطت تمام انقلاب های مردمی است. آزادی گسترده ای که پس از سرنگونی رژیم شاه ملعون به دست آمد، زمینه را برای حضور مردم در صحنه سیاست فراهم ساخت. انقلاب به نیروی خلق پیروز شده بود و رهبری انقلاب، که بر توده ها متکی بود، نه تنها نفعی در دور نگاه داشتن مردم از سیاست نداشت، بلکه برعکس، حضور مردم در صحنه را به درستی ضامن تداوم انقلاب می دانست و به همین دلیل می گویند "سیاسی بودن توده ها را با تمام ابعاد آن نگاه دارد. مبارزه بین نیروهای که انقلاب را خاتمه یافته می دانستند و می گویند، توده ها و نهادهای انقلابی آن ها را از صحنه سیاسی خارج کنند و دوران "سازندگی" را، با تکیه به دستگاه دولتی سابق، آغاز نمایند و نیروهایی که هوادار "انقلابی بزرگ تر از انقلاب اول" به پشتیبانی مردم بودند، به پیروزی انقلابیون پی گیر خاتمه یافت مردم در صحنه سیاست باقی ماندند. امروز می توان گفت که خلق ایران یکی از "سیاسی ترین خلق های جهان است. جای تعجب نیست که در چنین جوی و در میان چنین مردمی، تفسیرها و تحلیل های سیاسی، از جمله در مسائل بین المللی، در مطبوعات، رادیو و تلویزیون تا این حد رواج یافته باشد.

منبع اصلی بسیاری از تفسیرها مطبوعات غربی است

اما متأسفانه در این رواج، بین کمیت و کیفیت نا هماهنگی عجیبی حکم فرماست. دلیل کیفیت نازل بسیاری از تفسیرها و تحلیل های سیاسی، قبل از هر چیز نازل بودن سطح دانش سیاسی در ایران شاهنشاهی از یک سو و وابستگی فرهنگی ما به غرب از سوی دیگر است. نظام شاهنشاهی اکثر روشنفکران ما را در چارچوب فرهنگ سیاسی غرب محدود کرده، در دنیای یک بعدی سرمایه داری محصور ساخته و استقلال ندیده را از آنان سلب نموده بود. دانش سیاسی در ایران شاهنشاهی پس مانده ترین رشته علوم بود. اکثر دانشجویانی که در رشته های علوم سیاسی، اقتصادی، روزنامه نگاری، جامعه شناسی و غیره چه در ایران و چه در اروپای غربی و آمریکا تحصیل می کردند، اطلاعات، دریافت ها و داوری هایشان از دنیای غیر سرمایه داری، بر پایه کتب، روزنامه ها و مجلات غربی شکل می گرفت، که زشت جلوه دادن این دنیا وظیفه اصلی آنها بود.

پس از انقلاب، کسانی، با همان کوله بار معلومات تحریف شده، از اروپای غربی و آمریکا به ایران آمدند و برخی از آنها در مطبوعات و رادیو تلویزیون به کار مشغول شدند. این گونه افراد چون با یکی دو زبان خارجی کما بیش آشنایی داشتند، روزنامه ها و مجلات انگلیسی و آلمانی و فرانسوی را پیش خود گذاشتند و بر پایه محتویات آنها به تفسیر و تحلیل حوادث سیاسی بین المللی آغاز نمودند.

نظریه اصلی در اغلب این تفسیرها و تحلیل ها از این مجلات و روزنامه ها گرفته و حتی گاهی بدون ذکر ماخذ ترجمه می شود. امیدواریم قریباً دست بدهد و ما با ستودن مدرک این گفته خود را به اثبات برسانیم. البته مقصودمان جمله بندی و طرز بیان نیست، بلکه نظریه هاست، فکر هاست، هر چند آن را در مجلات دیگری، جز مجلات اصل آن روزنامه یا مجله خارجی پیچیده باشند. ولی حتی گاهی کلمات و عبارات نیز عیناً همان کلمات و عبارات است.

متاع قلبی که این مفسران و تحلیل گران غرب زده از روی مجلات و روزنامه های اروپای غربی و آمریکا به نام تفسیر و تحلیل سیاسی بخورد خوانندگان خود می دهند، در بسیاری از موارد منحرف کننده و زیان بار است. هستند کسانی که دانسته مردم را به انحراف می کشند، اما کسان دیگری

نیز هستند که، به دلیل آن که نمی توانند از آن چه در دوران شاهنشاهی در ایران و یادار اروپای غربی و آمریکا خوانده و یا شنیده اند، یا قراتر نهند، تفسیرها و تحلیل هایشان نیز در همان چارچوب انجام می گیرد.

ترقی سطح دانش سیاسی پس از انقلاب

با وجود این، اگر نگاهی به مطبوعات ایران در دوران پس از انقلاب بیفکنیم، می بینیم که با پیشرفت انقلاب، سطح دانش سیاسی پیوسته ترقی کرده است. برخورد اندیشه ها و تعاطی افکار در زمینه مسائل داخلی و بین المللی تاثیر مهمی در بالابردن سطح تفکر سیاسی در ایران پس از انقلاب داشته است. چه بسیار اندیشه های نادرست که در اثر این برخورد ها به تدریج حاکمیت خود را از دست داده اند و حتی به عکس خود تبدیل شده اند. حضور توده های مردم در صحنه سیاسی آزمایشگاه صحت و سقم این اندیشه ها بوده است. آزادی عقیده و مطبوعات، این نعمت بزرگی که انقلاب ایران با خود به ارمغان آورد، برای عرضه کردن تمام افکار زمینه مساعد فراهم کرد. برخورد عقاید در صفحات مطبوعات موجب شد که مردم به تجربه خویش به درستی و نادرستی قضاوت ها و مواضع سیاسی افراد و روزنامه ها و احزاب و گروه ها پی ببرند.

نتایج زیان بخش تفسیرهای نادرست

تفسیرها و تحلیل های سیاسی به خصوص در دوران پس از جنگ تجاوزی رژیم صدام علیه ایران اوج گرفته است. در این تفسیرها و تحلیل ها گاهی نکات نادرست و نتیجه گیری های غلطی به چشم می خورد که به دلیل حساسیت زمان و موضوع می تواند زیان های بزرگی بر ما وارد کند. برخی از تحلیل گران نتیجه ها را قبلاً می گیرند و سپس حوادث و وقایع را در بطن این نتایج "جاسازی" می کنند. برخی دیگر بر پایه اخبار نادرستی که از حوادث و وقایع دارند، نتایجی نادرست ترمی گیرند. این نیز یکی دیگر از میراث های تنگین رژیم شاهنشاهی است که تحلیل گران ما تنها از منابع خبری و مطبوعات غرب یعنی از "امپریالیسم خبری" تغذیه می کنند. یک مفسر سیاسی با این منابع خبری و اطلاعاتی و با پیش داوری ها و قضاوت ها و نظریات نادرستی که بر اساس آموزش غلط دارد، جز آن چه می نویسد، چه می تواند بنویسد؟ تنها یک دریچه به روی او باز است و آن دریچه غربی است که خبرها و اطلاعات و تفسیرها و تحلیل های خود را بر حسب منافعی تنظیم و منتشر می کند. این است یکی دیگر از مظاهر وابستگی عمیق فرهنگی (و به دنبال آن سیاسی) ما به امپریالیسم و این وابستگی پیش از هر چیز و بیش از هر چیز در رابطه ما با دنیای امپریالیسم آشکار می گردد.

رئیس جمهور: امریکا بانی جنگ عراق علیه ایران است

برای آن که برای گفته های خود نمونه ای بیاوریم، از میان انبوهی از تفسیرها و تحلیل هایی که پس از آغاز جنگ تجاوزی رژیم صدام علیه ایران در روزنامه ها منتشر شده است، یکی از تازه ترین آن ها را انتخاب می کنیم و ارزش مدعا های آن را با محک واقعیات و عقل سلیم می سنجیم. این تفسیر به صورت مقاله ای در روزنامه انقلاب اسلامی (شماره اول آذر سال ۵۹)

زیر عنوان "نگاهی کوتاه بر جنگ ایران و عراق" چاپ شده است. نویسنده مقاله مدعی است که: "شوروی برای نجات از بن بست افغانستان... هیئت حاکمه عراق را، که به وسیله ثروت های غنی منابع نفتی بیمن های طویل المدت و سنگین نظامی با روسیه داشت و با اسلحه های مدرن او ارتش نسبتاً مدرنیزه ای را در منطقه بوجود آورده بود، بهره جست و صدام را، دلگرم از پشتیبانی نظامی خود، به حمله به ایران تشویق نمود."

مقصود نویسنده روشن است. آقای مفسر می خواهد بگوید که اتحاد شوروی محرک جنگ عراق با ایران است! بی اطلاعی (امیدواریم غرض نباشد) از خلال این نوشته فوران می کند. مدتها است که دیگر احدی در ایران و حتی در غرب چنین ادعای بی اساسی را مطرح نمی کند. امروز همه می دانند که محرک این جنگ آمریکا بوده است. جالب آن که همین این مطلب را ما در چند صفحه پیش، از همین شماره روزنامه، از زبان آقای رئیس جمهور، که صاحب امتیاز روزنامه نیز هستند، می خوانیم. ایشان به درستی چنین می نویسند:

"آمریکایانی این جنگ بوده و شاید این جناحی که انتخا بایات را برده است، بانی این جنگ بوده است و ادامه جنگ به سود آمریکا است. این جنگ وضعیت دلار را به سود آمریکا تشبیهت می کند و قیمت های مواد ساخته شده و خام را به سود آمریکا پایین و بالا می برد و موقعیت سیاسی - نظامی آمریکا را در خا ورمیانه تشبیهت می کند و..."

نویسنده تفسیر "نگاهی کوتاه بر جنگ ایران و عراق"، اگر کوچک ترین اطلاعی از سیاست اتحاد شوروی و تاریخ معاصر جهان می داشت، می دانست که جنگ افروزی از ریشه با ماهیت نظام سوسیالیستی و سیاست خارجی اتحاد شوروی تباین دارد. ما در تاریخ شصت و چند ساله اتحاد شوروی حتی یک مورد نمی توانیم پیدا کنیم که این کشور آغازگر جنگ یا هوادار اقدامات جنگی برای حل مسائل مورد اختلاف باشد. اتحاد شوروی همواره تمام کوشش خود را برای خاموش کردن کانون های جنگ و جلوگیری از توسعه آن به کار می برد. در دوران اخیر، بهترین نمونه آن میانجیگری اتحاد شوروی در جنگ میان هندوستان و پاکستان بود، که به برقراری صلح منجر شد.

کشورهای سوسیالیستی، چنان که رهبران آن با رها - اعلام کرده اند، با توسعه جنگ ایران و عراق و مداخله سایر دولت ها در این جنگ مخالفت می کنند زیرا ادامه این جنگ - چنان که آقای بنی صدر به درستی نوشته اند - به سود امپریالیسم آمریکا است. این جنگ به سود آمریکا و سایر کشورهای امپریالیستی است، زیرا مبارزه ضد امپریالیستی تمام خلق های منطقه را درجهبه واحد که موجب تضعیف امپریالیسم - دشمن اتحاد شوروی و تمام خلق های جهان می گردد، به مبارزه بین خود آنان، که موجب تضعیف جبهه واحد ضد امپریالیستی می شود، منبدل می سازد، و در همان حال بهانه ای برای تقویت و گسترش حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس می گردد - که به نوبه خود خطری جدی برای استقلال خلق های منطقه و امنیت در منطقه و جهان است.

خیانت رژیم صدام حسین به خلق عراق، به خلق ایران و به سایر خلق های منطقه این است که در جبهه واحد ضد امپریالیستی خلق های ایران و عراق و سایر خلق های منطقه، به نفع سیاست آمریکا شکاف انداخته و عملاً نقش نیروی ضربه ای امپریالیسم آمریکا را به عهده گرفته است. بدین سان، نظریه نویسنده تفسیر

از ریشه مخدوش و کمراه کننده است. زیرا حقیقت را - چه بخواهد چه نخواهد - به سود امپریالیسم آمریکا دگرگون جلوه گرمی سازد.

اتحاد شوروی صادقانه پشتیبان انقلاب ایران است

از سوی دیگر، نویسنده تفسیر این ادعای بی پایه مطبوعات غربی را، که گویا اتحاد شوروی از سرایت انقلاب اسلامی ایران به ۶۰ میلیون مسلمان روسیه می ترسد (و به عقیده او این یکی از دلایل لشکرکشی روسیه به افغانستان است!) تکرار می کند و با این حلقه بی ربط، تجاوز رژیم صدام به ایران را با حوادث افغانستان به هم متصل می کند.

نظریه "ترس شوروی" از انقلاب اسلامی ایران را با راول مطبوعات بزرگ غرب، که همه در دست انحصارات خصوصی انحصارات صهیونیستی است، به میان افکندند تا "ثابت" کنند که به علت این "تضاد" منافع بین اتحاد شوروی و انقلاب اسلامی ایران، اتحاد شوروی نمی تواند پشتیبان انقلاب ایران باشد، زیرا گویا رشد و توسعه جنبش اسلامی در ایران، ۶۰ میلیون مسلمان اتحاد شوروی را به قیام برضد دولت خود، بر خواهد انگیزت.

تحلیل گران غرب خودشان کما بیش از وضع اتحاد شوروی و مسلمانان آن کشور اطلاع دارند و به قدر برخی از مفسران ما پیچیده نیستند. اما با این دروغ ها به "مفسران" ما خوراک می دهند، و چون به وابستگی فرهنگ سیاسی ما به غرب به خوبی واقفند، اطمینان دارند که کالی تقلبی آنان در کشور ما رواج خواهد یافت، و چنان که می بینیم متأسفانه رواج هم یافته است.

اما بیینیم رشد انقلاب اسلامی چه خطری می تواند برای منافع اتحاد شوروی ایجاد کند. "رشد انقلاب بدانگونه که ما می فهمیم، به معنای گسترش و تعمیق انقلاب است. انقلاب ایران فقط از یک راه می تواند "رشد" کند و آن راه رشد گرایشهای ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری در آن است. انقلاب ایران از همان ابتدا در این مسیر گام نهاد و بایچه و خمهایی در این راه به جلو گام برمی دارد. هر قدر انقلاب ایران در این مسیر پیشرفت کند، زمینه اجتماعی و سیاسی و اقتصادی مخالفت با سوسیالیسم و کشورهای سوسیالیستی نیز در ایران کاهش می یابد و نیروهای طرفدار تیره کردن روابط با کشورهای سوسیالیستی ناتوان تر می گردند. هر قدر انقلاب اسلامی بیشتر رشد کند، نیروهای ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری آن نیرومندتر و نیروهای ضد سوسیالیستی آن ضعیف تر می شوند. برعکس، اگر رشد انقلاب اسلامی متوقف شود و یا به عقب برگردد و در ایران ساداتی یا بختیاری به حکومت برسد، سمت ضد شوروی و ضد سوسیالیستی آن اوج می گیرد و سمت ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری آن شاخه نزولی خود را آغاز می کند.

بنابراین، برخلاف عقیده نویسنده مقاله، اتحاد شوروی از جنبش های انقلابی اسلامی هراسی ندارد، زیرا رشد این جنبش ها با منافع بنیادی جهان سوسیالیسم و از جمله اتحاد شوروی هماهنگی کامل دارد، زیرا جنبش های آزادی بخش ملی زیر هر پرچمی (از جمله پرچم اسلام) باشند، متفقان طبیعی دنیای سوسیالیسم اند. اما درباره این که انقلاب اسلامی ایران چه تاثیری می تواند بر مسلمانان اتحاد شوروی به جای بگذارد - بین کشورها و جمهوری های مسلمان اتحاد شوروی، که اغلبشان با ایران مرز مشترک دارند، از دیرباز روابط فرهنگی و اقتصادی غیره وجود داشته است. بسیاری از این خلق ها، از جمله آذربایجانی ها، ترکمن ها و غیره در دوسوی مرز ایران و اتحاد شوروی زندگی می کنند. پس از برقراری حکومت رضاخان در ایران به دنبال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکتبر، رضا خان، به دستور اربابانش هرگونه مراوده و ارتباط بین خلق های

بقیه در صفحه ۶

کارگران و وزارت کار و امور اجتماعی

کارفرمایان هر چه می خواهند می کنند و اداره های کار هنوز تماشاگرند.

هدایت کند. چه مبارزه دشواری را از سر گذرانده بود و اکنون چقدر کار پیش رو داشت!

طبقه کارگر ایران می بایست در سندیکاها و اتحادیه های مستقل خود متشکل می شد، به تدوین قانون کار انقلابی باری می داد، دست غارتگر کارفرمایان طاغوتی را قطع می کرد، ضد انقلاب را در محل کار خود درهم می کوبید و در عین حال همه مبارزات خویش را در چارچوب دفاع بی امان و عملی از انقلاب و نظام نوین به پیش می راند.

در این میان دشواری ها کم نبود. هر چند رژیم سابق سرنگون شده بود، ولی آثار شوم آن پانزجا بود. سیستم اداری دست نخورده بود. تشکیلات عریض و طویل وزارت کار و اداره های کار استان ها برای سرکوب کارگران سرهم بندی شده بود و هنوز همان ضوابط و روابط به طور عمده به جای خویش باقی بود. تا این دستگاه وجود داشت، تلاش های کارگران کم اثر باقی می ماند. هم زمان با ایجاد نهادهای انقلابی و تلاش برای در هم شکستن نظام اداری پیشین در کل جامعه، وزارت کار نیز باید دگرگون می شد. ولی این کار ماند و ماند و به تعویق افتاد و در این میان، حتی پس از پیروزی انقلاب، بسیار امیدها که مجال شوفاپی و رشد نیافت.

این تاخیر که علت با علت های آن کم و بیش بر همگان آشکار است، به هر حال می بایست جبران می شد. و سرانجام هم اکنون، وزیر منتخب مجلس شورای اسلامی چنین انتظاری را از تو و عملا برانگیخته است.

آقای میرمحمد صادقی از جمله به این معنی کاملاً توجه دارد که، علیرغم وجود بسیاری از کارمندان شریف و مردمی در وزارت کار، تار و پود آن باید از نو بافته شود. این کار البته به آن معنی نیست که همه اخراج شوند و با آموزش جدید، عده دیگری، آن هم در بنای دیگری و با وظایف به کلی تازه ای، شروع به کار کنند.

نه: همانطور که وزیر کار خود گفته است: "چاره سازمانی وزارت کار در دست بررسی است و معاون ایشان ماموریت یافته است تا نقایص و معایب را، که به قول ایشان "به نظر می رسد از شرایط انقلابی، سازگاری ندارد"، ارزیابی و تعیین کند. تا نسبت به متمم آن اقدام شود.

واقعیت آن است که انقلاب ایران زمینه مساعدی فراهم کرد، تا کارگران ایران به خواست های حد اقل و ابتدایی خود دست یابند و اکنون این زمینه مساعد بیشتر شده است. وزارت کار با عمل انقلابی خود باید حداقل این نیاز را جابجا کند.

متأسفانه با یک نظر اجمالی به فعالیت های اداره های کار در طی بیست ماه گذشته، می توان دریافت که آن سازماندهی لازم و روح انقلابی، که باید در کار باشد، یا به وجود آید. هنوز مهمان نیست. به عبارت دیگر، اداره های

وزارت کار و امور اجتماعی، پیش از انقلاب، بخشی از نظام سرسپرده شاهنشاهی بود.

نظام پیشین نیز در خدمت امپریالیسم جهانی و در راس آن امپریالیسم آمریکا شکل گرفت. آن دستگاه از بیچ و مهره های گوناگونی استفاده می کرد، تا چرخ های اجتماع را به سود خود به حرکت در آورد: بنابراین، اگر موسسه، اداره، تشکیلات یا قانون و مقرراتی در کار بود، هدف دیگری نداشت مگر ادامه غارتگری و موجه نشان دادن نابرابری و ستم. وزارت کار و قانون کار نیز در محدوده مربوطه خود، می بایست از هر جهت دستیار سرمایه داران بزرگ و وابسته به امپریالیسم و کارگران داخلی آن باشد. در ظاهر، البته، این نهاد و ضوابط به اصطلاح قانونی آن ناظر بر حل اختلاف بین کارگر و کارفرما، فرمول بندی حقوق هر یک، اجرای آئین نامه های گوناگون مربوط به اداره کارخانه ها و نظارت بر عموم مسائلی بود، که در جریان کار امکان بروز پیدا می کرد.

اما اگر در آن قانون کار از سندیکا، از حقوق و مزایای کارگری، از شرایط بهداشتی و ایمنی مطمئن برای تدوین جریان تولید و حفظ سلامتی و حقوق انسانی کارگران سخن می رفت، در عمل حتی همین اندک هم محلی از اعراب نداشت.

کارفرمایان در تعیین میزان دستمزد و مزایا و در استفاده با اخراج کارگران هیچگونه محدودیتی نداشتند. آنان بر سر سینه های آربابمهری متکی بودند و به کارگران حق کوچکترین صحبت و اظهار نظری داده نمی شد. هیچ کارگری از کار خود نه تائید داشت و نه به کمترین اندازه رضایت. ولی در مقابل همه وسایل، روش ها، ضوابط و روابط و سیاست های عقلی دستگاه سابق، به ویژه در وزارت کار، یک پارچه در خدمت کارفرمایان غارتگر بود. بدیهی است که چنان نظامی دوام نداشت و حتی در اوج قدرتمندی ها و رجز خوانی هایش با اشکال گوناگون اعتراض و اعتصاب کارگری مواجه می شد. سرکوب، حبس و شکنجه کشتار کارگران نیز چاره نبود و سرانجام با اوج گیری جنبش انقلابی، نظام نوینی برپا شد. برپا شدی دستگاه فاسد پیشین پدید آمد و جمهوری اسلامی ایران بارهبری امام خمینی تشکیل شد.

روزنه های امید باز شد و از آینده روشن خبر داد. طبقه کارگر ایران نیز حق حیات یافت و کوشید تا نسیم سعادت بار انقلاب را به کارخانه ها

کار در خط انقلاب قرار نگرفته اند و کارگران در مراجعات مکرر خود، غالباً دست از پا درازتر و مایوس، در حالی که کوچکترین باری از گرده آن سبک نشده، از این موسسه رانده شده اند. ذکر تنها چند نمونه منتخب، این مدعا را ثابت می کند:

تاریخ ۵۸/۸/۱۳ - چند تن از کارگران و کارکنان "شرکت مسافری اتوتاج"، که حقوق و مزایای آن ها پرداخت نشده، به مدت ۵ ماه شکایت خود را در اداره کار دنبال کرده اند، ولی کوچکترین نشانه ای از رسیدگی به خواست هایشان در دست نیست.

تاریخ ۵۸/۱۲/۱۵ - کارگری بدون کمترین بهانه و کوچکترین دلیل از "شرکت گسترش سردخانه" اخراج شده است. وی نیز مدت ۵ ماه است به اداره کار شکایت کرده، ولی هیچ نتیجه ای نگرفته است. از این شرکت نزدیک به بیست نفر اخراج شده اند.

* وزارت کار با قاطعیت انقلابی و با استفاده از قانون مرفقی کار، نقش بسیار یا اهمیتی در دفاع از انقلاب و طرد ضد انقلاب خواهد داشت.

تاریخ ۵۹/۱/۲۵ - ده تن از کارگران کارخانه "چراغ سازی امید" واقع در خیابان ری، به اداره کار آمده اند. آن ها پیش از نوروز اخراج شده اند. می گویند بیش از دو هفته است اخراج شده اند و مدعی اند هیچکس به کار آن ها توجهی نمی کند.

تاریخ ۵۹/۲/۲۱ - یکی از کارگران "کارگاه فرهود"، واقع در خیابان استخر، به نمایندگی از هشت تن از کارگران کارگاه، شکایت خود را تسلیم مسئولین اداره کار کرده است و می گوید:

"من به اتفاق چند تن از کارگران بیش از شش سال سابقه کار داریم، در حالی که تازه دستمزد، مادل حقوق پایه وزارت کار - یعنی روزانه ۵۶۷ ریال - است. خیلی وقت است شکایت کرده ایم، ولی هنوز خبری نیست...".
مرداد ماه ۵۹ - حدود بیست تن از کارگران کارخانه "چای گلچین"، واقع در میدان شوش، به اداره کار مراجعه کرده اند و از قانون شکنی های کارفرمایان شکایت نمودند. متأسفانه مسئولان اداره کار، به جای آن که به خواست های به حق آنان رسیدگی کنند، به آنها نصیحت کرده اند که: "یک طوری با کارفرما بسازید. خوب نیست، با این بی کاری ها، با همدیگر اختلاف داشته باشید!".
تاریخ ۵۹/۶/۲۵ - در کارخانه

"فربلاستیک"، تولیدکننده ظروف پلاستیکی، واقع در حومه قم، یکی از کارگران اخراج شده است.

این کارگر عضو شورای کارخانه است. بیشتر کوشش او متوجه تشویق کارگران به تولید بیشتر در جهت قطع وابستگی و دعوت به اتحاد آن ها در محیط کارخانه بوده است.

این کارگر از جمله در شورای کارخانه، توانسته بود لیست مربوط به سازمان بهمه های اجتماعی را، که کارفرما در آن بجای سی و یک روز کار، مهادل بیست و هشت روز برای کارگران منظور می کرد، تصحیح کند. گرفتن بخشنامه مربوط به سود کارخانه، ساعات هفتگی کار (۳۴ ساعت) و مساعده، که کارفرما به کلی با همان ها مخالف بوده است، از دیگر کارهای این نماینده شایسته کارگران است.

وی، علاوه بر این، کارفرما را وادار کرده بود، تا حقوق ماهانه کارگران را ابتدای هر ماه پرداخت کند. کارگر اخراجی در برابر نماینده کارفرما، که در محیط کارخانه به کارگران فحاشی کرده بود، جانانه به دفاع از شرف کارگران برخاسته بود.

کارفرما جز ناراحت شدن و نهایتاً تلاش برای اخراج این کارگر چه می توانست بکند؟

جالب این جاست که از جمله اتهامات این کارگر آن بوده که، به اداره بهداشت اطلاع داده تا به وضع غیر بهداشتی کارخانه، که سلامتی کارگران را در خطر قرار داده است، رسیدگی کنند!

کارفرما با استناد به ماده ۳۳ قانون کار دست به کار می شود. اداره کار هم صریحاً اعلام می کند:

"تا این ماده قانونی هست، دست ما بسته است و نمی شود تورا به کارخانه برگردانیم. فقط می توانیم حکمی برایت صادر کنیم که اندکی پول از کارفرما بگیریم".

و برای کارفرما چه بهتر از این که با دادن نبلغ ناچیزی، "شر" چنین "مزاحمی" را از سر خود کم کند و با خیال راحت به "کارا" خود مشغول شود. ناگفته نماند که این کارفرما در اوایل انقلاب نیز پانزده تن از کارگران را اخراج کرد، که سرانجام با مقاومت خود کارگران و با کمک "قانون کارگران قم" دوباره به سر کار خود بازگشتند!

... و این رشته سرد را ز دارد. هر کس که گه گاه سری به محل اداره های کار بزند، همه روزه کارگران زیادی را می بیند که غالباً به نمایندگی از طرف بسیاری از کارگران آمده اند و در ارتباط با خواست های ناچیز - اما حیاتی و مهم خویش - شکایت ها دارند و ماه ها ست سرگردان هستند. و این نیست، مگر وجود همان روابط مطلق پیشین، که همچون سایه خود را بر این موسسه افکنده است. درست اینگونه عمل کرد است که باید ریشه کن شود. می دانیم که طبقه کارگر بسیاری از محرومیت ها را - به ویژه در شرایط

*** شکایات کارگران به اداره های کار هنوز مورد رسیدگی دقیق قرار نمی گیرد.**

کنونی - می پذیرد و از هزار در دکنشده، به زحمت اگر یکی را فریاد کند. و از این "یکی" هم چه بسا در بسیاری موارد درگذرد، با علاج را به آینده موکول کند، و به هر حال بسپار کم اتفاق می افتد که از کار و زندگی خویش بزند و به اداره کار، مگر مراجعه کند. دلیل آن هم روشن است: هراس از این دستگاه عریض و طویل، اما به قول خود آنان "امامزاده بی معجزه". اما همین موارد هم در صورت رسیدن به این موسسه جوابگویی نمی شوند و این جریان خواه ناخواه در ذهن بعضی از کارگران "گذشته" را از نو زنده می کند.

حال چگونه می توان عمل کرد وزارت کار و امور اجتماعی را زیر سؤال قرار نداد؟ اگر در این زمینه سختی به میان نیاید، در بهترین حالت به معنای آن است که کارگران آمیدی به بهبود ندارند. و می دانیم که چنین نیست.

پس اگر این نظام، از آن خود کارگران است، اگر آنان به درستی به آینده امیدوارند، و اگر برای طرد ضد انقلاب و برای تحکیم مبانی خلقی انقلاب، به دنبال آن هستند که دشواری ها را از سر راه بردارند، باید این نحوه برخورد را به فال نیک گرفت و نظرها، انتقادهای، رهنمودها و حتی "اوقات تلخی ها" را بجمان خرید. این حرف ها از دل پر خون کارگران برمی آید و باید بردل مسئولین، که بسیاری از آنها خود کارنامه ای انقلابی دارند، بنشیند.

دشمن بی گمان در این توطئه خود که کارگران را مایوس و سرخورده، از انقلاب روگردان کند، شکست خواهد خورد. آینده نشان خواهد داد که این خوش بینی بی محتوی و دلخواه نیست، بلکه واقعیت خود را در پیشرفت دستاوردهای انقلاب، دو تدوین، تصویب و اجرای قوانین مترقی و در دفاع مستمر و بنیادی از منافع مردم، به دنیا نشان خواهد داد.

اما آنچه که در مقام هشدار می توان و باید تصریح کرد آن است که:

*** وزارت کار و امور اجتماعی باید فعال شود و از هر جهت بر کار زندگی کارگران نظارت کند.**

*** مسئولین اداره های کار باید به دفاع از حقوق مشروع کارگران برخیزند و علیرغم همه کار شکنی ها و دشواری ها، کارفرمایان را ملزم به رعایت این حقوق کنند.**

*** تدوین قانون جدید کار با نظارت و مشارکت نمایندگان کارگران هر چه زودتر به انجام رسد.**

ما و اتحاد ضرور آفرین همه اقتدار مردم وهمه خلقهای ایران، در مقابل با این دسیسه ها و تجاوزات، تاریخ ساز است. در شرایطی که همه انقلابیون و میهن دوستان، از جمله حزب توده ایران، همه توان خویش را در حفظ و تحکیم جمهوری اسلامی ایران و پشتیبانی از رهبری سازش ناپذیر هوشیار و قاطع آن بکار می برند، تا یوزه امپریالیسم جنایتکار آمریکا و وابستگانش را به خاک بمالند و وظیفه ای مقدس تر از دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران نمی شناسند، و در حالی که صفوف یکپارچه مردم انقلابی ما به رهبری امام خمینی لرزه بر اندام امپریالیستهای جهان خوار انداخته است، هیئت پاکسازی آموزش و پرورش استان بوشهر در پاسخ نامه مسئولان و تذکر آ میز، که از طرف حزب توده ایران سازمان شهرستان بوشهر، در تاریخ بیعده در صفحه ۶

نامه سرگشاده سازمان حزب توده ایران در بوشهر:

تفرقه اندازی، بهر نام و عنوان، تنها بسود امپریالیسم آمریکاست

شهرستان بوشهر دریاخ ناسزا و افتراهای "هیئت پاکسازی" نامه سرگشاده ای خطاب به مسئولین ستاد امنیت استان بوشهر انتشار داده است، که در زیر نقل می شود:

"در این لحظات سرنوشت ساز، که مردم میهن ما درگیر جنگ تحمیلی با رژیم منقور بعث عراق، مجسری نقشه امپریالیسم جنایتکار آمریکا برای درهم شکستن انقلاب و جمهوری اسلامی ایران است؛ در این لحظات که خیزش عظیم توده های بیدار کشور

توده ایران، و به جای هرگونه پاسخ منطقی، جزوای سرایا ناسزا و افترا علیه حزب توده ایران انتشار داد و در سطح شهر پخش کرد، غافل از این که ناسزا و افترا به حزب توده ایران، که از بذل هیچگونه فداکاری در دفاع و پشتیبانی از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی دریغ نداشته است، نه به سود انقلاب است، نه مشکلی را حل می کند.

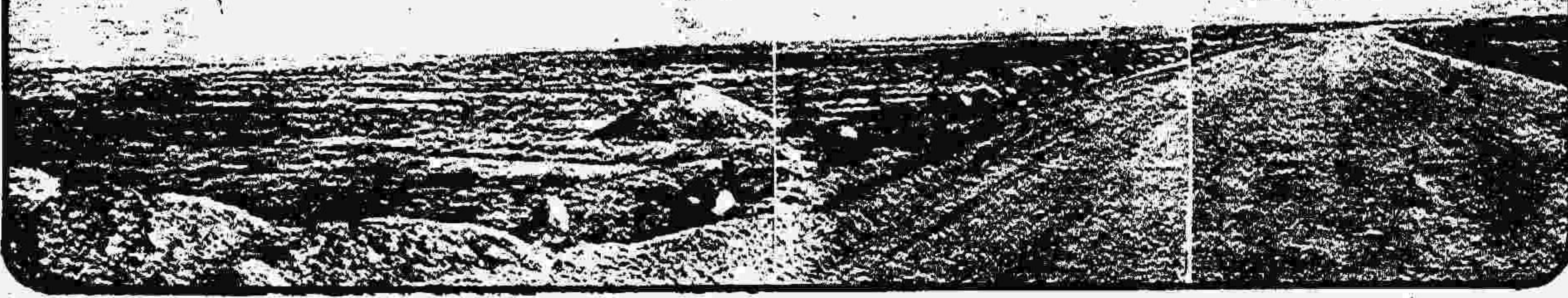
حزب توده ایران - سازمان

حزب توده ایران از مسئولان آموزش و پرورش میخواهد که انتقادات اصولی را چنی بگیرند و با آن برخورد انقلابی داشته باشند.

چندی پیش در استان بوشهر، تعدادی از آموزگاران مترقی را که در آموزش و پرورش این استان شافل بودند، تحت عنوان "پاکسازی" اخراج کردند. حزب توده ایران - سازمان شهرستان بوشهر، به این مناسبت نامه سرگشاده ای به عنوان اعتراض به این گونه اعمال، که در شرایط کنونی جز به سود شیطان بزرگ - آمریکا و عمال خارجی و داخلی آن نیست، به استاندار بوشهر و اداره آموزش و پرورش ارسال داشت. متأسفانه هیئت پاکسازی آموزش و پرورش استان بوشهر، در جواب اعتراض به حق حزب

مالکان بزرگ علیه هیئت های هفت نفری

این زمینهای وسیع باید به دهقانان بی زمین واگذار شود.



امام اعتقاد داریم که فرموده اند به دهقانان عزیز بگویند که نه من هوادار مالک هستم و نه پشتیبان فوئاد!

گروه های ۷ نفری این سخن مستقیم و بی پرده امام را حتما شنیده اند ما هم بدینوسیله آن را بازگو میکنیم و ادامه فعالیت انقلابی آنها را خواستاریم.

وظیفه همه مقامات دولتی و نهادهای انقلابی است که به هیئت های ۷ نفری کمک کنند تا تشبیهات لیبرالها به نتیجه نرسد و قانون مصوبه که به تأیید فقها نیز رسیده است عملی شود.

مالکین بزرگ نجات دهند ما از انقلاب توقع عدالت داریم و حاضریم تا پای جان از آن دفاع کنیم. ما با دهقان بی زمین ایران این دشمنی را آید خواهیم کرد و با عرق جبین خود آنرا آبیاری خواهیم نمود. تگنارید زمینهای وسیع بدون استفاده بمانند و بچه های ما سر بی شام بر زمین بگنارند. تگنارید ما در حرمت داشتن امکان تولید یزمرده شویم و بعیریم. بیاید با واگذاری عادلانه زمین به ما هم حق حیات و کار و کوشش بدهید. بگنارید ما هم در نبرد بر علیه شیطان بزرگ از راه تولید دین خود را به ملتمان ادا کنیم. ما هیئت به گفته های

۳۵ کیلومتری جنوب غربی تبریز زمین با ارزشی زراعتی بمقدار زیادی وجود دارد ولی ۲۰ خانوار از روستائیان خالصان از داشتن حتی یک وجب زمین محرومند. دهقانان میگویند: ما را مالکین این روستا تهدید به مرگ می کنند و میگویند اگر با هیئت ۷ نفری تماس بگیرد شماها را از ده بیرون میکنند. باور نمیکنید ولی حقیقت دارد که حتی پس از انقلاب ما را در مسجد هم راه نمیدادند. روستائیان بی زمین روستای خالصان میگویند باید دست عدالت از آستین انقلاب بیرون آید و ما و خانواده ما را از فلاکت و ستم

زحمتکشان روستای وزیرآباد: اگر لازم بشود همه چیزمان را برای پیروزی بر صدام و امریکای دهیم!

روستای وزیرآباد، در ۲۵ کیلومتری شمال اراک، در منطقه فراوان قرار گرفته است. در این روستا نزدیک به سیصد نفر زندگی میکنند، که از این تعداد ۱۲ خانوار خوش نشین هستند. روستا دارای مدرسه است. جهاد سازندگی اراک نیز در این روستا اقدام به ساختن حمام بهداشتی کرده است. روستا فاقد برق است و قسمتی از جاده ای که روستا را به شهر مریمسوط میکند، در زمستانها غالباً بسته میشود. روستائیان خواهان تعمیر این جاده هستند.

قبل از انقلاب، یکی از مالکان وزیرآباد حدود ۸۰۰ هکتار زمین در روستائیان را به ازای هکتاری ۵۰۰ تومان به زور از روستائیان خریده و مقداری از این زمین ها را به کسان دیگری فروخته بود. روستائیان با کمک هیئت هفت نفری ۲۸۰ هکتار از این زمینها را بازپس گرفته و زیرکشت بردارند.

امان علی یکی از دهقانانی که بر روی زمین کار میکنند، میگوید: "این زمین را از طرف کمیسیون هفت نفری به ما داده اند. ما ۸۰ نفر بطور جمعی آنرا کشت میکنیم."

زحمتکشان وزیرآباد نیز همچون زحمتکشان دیگر روستاهای میهنمان، امسال بفرمان امام خمینی، زمینهای بیشتری را کاشته اند. یکی از زحمتکشان بنام امیدعلی میگوید: "اگر زمین بماند بدهند با زهم حاضریم بکاریم" و امان علی در ادا مصیبتهایش میگوید:

"یک نفر ایتهمه زمین را نمی تواند بکار دهد. خدا را خوش نمی آید زمین بیکار بماند."

در باره تجاوز مزدوران صدام میگوید:

"ما جان و مال و هر چه را که داریم حاضریم در راه امام و انقلاب مان بدهیم. حاضریم هر وقت امام دستور بدهد، به جنگ با صدام بیزید برویم و او را سرنگون کنیم. الان بصرم در سبیل ذهاب بر ضد صدام کافر می جنگد."

وی ادامه میدهد: "ما گندم، آرد، گوشت و بول برای جبهه داده ایم، و اگر لازم شود، همه چیزمان را برای پیروزی بر صدام و آمریکا میدهیم."

این دهقانان حامی انقلاب و مدافع جمهوری اسلامی ایرانند. زمین ها را با یکدلا و بدون استثناء با آنها داد تا انقلاب تحکیم شود. هیئت هفت نفری باید تقویت شود و به کار انقلابی بسیار مهم خود بپردازد. دهقانان حاضرند جان و مال و هر چه را که دارند در راه امام خمینی و انقلاب بدهند. نباید گذاشت که روحانی نمایان ضد خط امام و لیبرالهای سازشکار مدافع استثمار و وابستگی، با این ایمان مقدس میلیونها دهقان صدمه ای وارد نکنند.

دهقانان آماده اند تا تجاوز صدام امریکائی را سرکوب کنند

در شماره امروز "نامه مردم" نام دهقانان روستای زاکین از توابع بندر عباس را به سپاه پاسداران منطقه چاپ می کنیم که نمونه دیگری است از آمادگی روستائیان جان برکف ما برای دفاع از انقلاب و از جمهوری اسلامی ایران. آنها به حق انقلاب را متعلق به خود می دانند و در برابر تهاجم صدام امریکایی حاضرند جان خود را هم نثار کنند. پدران و مادران و همسران آنها نیز در دهات گسترار هارا به سنگر نبرد تبدیل کرده اند و آماده اند همه جا را بکارند و هر چه در نیرو دارند بکشند تا محصول زیادتیری به دست آید و فرمان امام دایر به جهاد کشاورزی را عملی سازند.

نامه روستائیان زاکین یکی از ده ها هزار نمونه ای است که به نهادهای انقلابی الهام می بخشد تا در خدمت این توده زحمتکش، برای سازماندهی نظامی آن، برای احیاء اقتصادی آن، برای کوتاه کردن چنگال غارتگر بزرگ مالکان هر چه بیشتر بکشند.

و این است متن نامه و کلیشه عین آن:

بسم تعالی
فرمانده سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بندر عباس

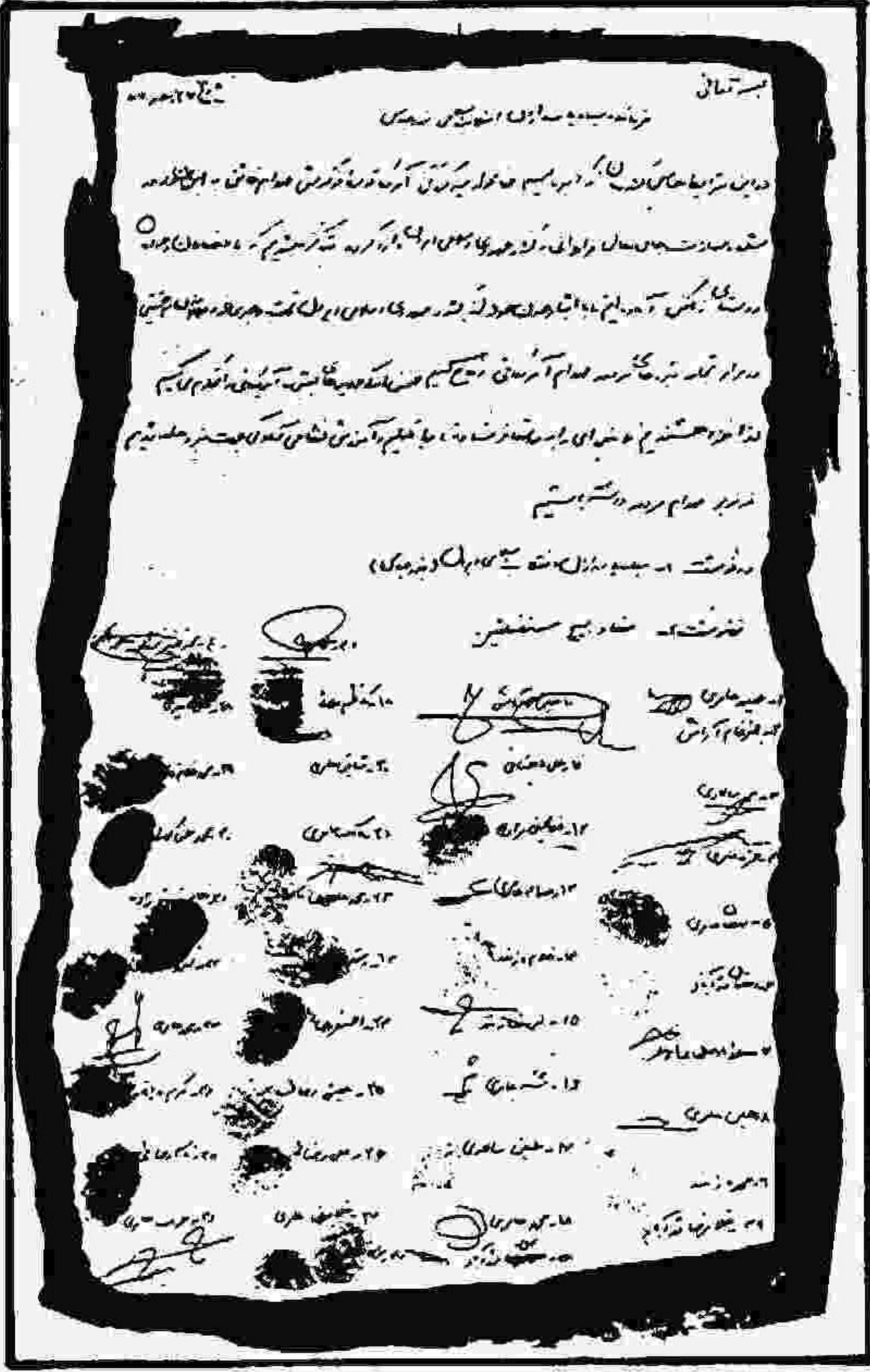
در این شرایط حساس کشور - مان که امپریالیسم جهان خوار به سرکردگی آمریکا توسط نوکرش صدام خائن به ایران حمله کرده و خسارت جانی و مالی فراوانی به کشور جمهوری اسلامی ایران وارد کرده متذکر می شویم که ماهدقانان و جوانان روستای زاکین آماده ایم تا با ایثار خون خود از کشور جمهوری اسلامی ایران تحت رهبری خردمندان امام خمینی در برابر تجاوز

نیاز مبرم به یاری دولت برای تقویت پشت جبهه

چاپشلو یکی از بخش های شهرستان درگز و دارای جمعیتی حدود ۴۰۰۰ نفر است که ۶۱۵ خانوار را تشکیل می دهند. روستاهای اطراف چاپشلو عبارتند از: یکنی قلعه، قلمه مینا، بشارت، بیات، ایلانج، حسین آباد، کالو و کلاته. در این منطقه اکثریت دهقانان کم زمین هستند. محصول اصلی گندم است که به علت کمبود آب اغلب بصورت دیم کشت می شود. پنبه و میوه های نظیر خربزه و هندوانه از محصولات دیگر چاپشلو هستند. مقدار کمی جوی نیز عمل می آید که کفاف دام های دامداران را نمی کند و دامداران به اجبار مقدار زیادی جورا از اطراف مشهد و سایر نقاط می خرند. در این روستا تعدادی قتات وجود دارد که به علت عدم لایروبی بدون مصرف مانده اند. به علت همین کمبود آب هر سال از سطح زیر کشت بعضی از محصولات کاسته می شود و روستائیان با مشکلات زیادی دست به گریبان هستند. آب های قناتی بصورت دوره ای (مداری) و بمنوبت ثابت برای آبیاری استفاده می شود. گاهی فاصله دو نوبت آنها (یک مدار) به ۲۱ روز می رسد و حداقل آن از ۱۷ روز کمتر نیست. این به خوبی نشان دهنده کمبود آب است.

در این مورد کمک به لایروبی و حفر چاه و زدن موتورهای آب یکی از مشکلات حیاتی این روستائیان را حل خواهد کرد. قتات عباس آباد به هزینه جهاد سازندگی در حال لایروبی است که هنوز تمام نشده. ولی در این زمینه، منطقه چاپشلو به کمک وسیع و همه جانبه ارگان های مسئول ودولت احتیاج مبرم دارد تا بتواند در جهاد کشاورزی وسیع شرکت کند.

گرانی هزینه دفع آفت، مشکل بزرگی است. هر ساله مقدار زیادی از محصولات زحمتکشان این منطقه به علت آفت زدگی از بین می رود. مثلا چری که نوعی آفت مخصوص نقاط کم آب است، همساله باعث نابودی و نامرغوبی محصولات پنبه و خربزه و انگور دهقانان می شود. نبودن و گرانی تهیه سمیاشی در این مورد مشکل دیگری است که بر دوش این زحمتکشان فشار می آورد. ما



نیروهای مزدور صدام امریکایی دفاع کنیم. ضمن این که حمله نیروهای بعثی - امریکایی را محکوم می کنیم، لذا خواهشمندیم نماینده ای را به روستا فرستاده تا با تعلیم و آموزش نظامی آمادگی جهت

ما را مورد حمله قرار داده است، رشد تولید و ایجاد روابط انسانی در تولید قدرت ما در مقابل با امپریالیسم آمریکا و رژیم متجاوز مزدوری می افزاید. به شورای دهات باید وام های لازم را بطور جمعی داد تا به لایروبی و کرایه کمباین و خرید سموم دفع آفات و تهیه وسایل کشت و داشت و برداشت به پردازد. برای ایجاد مرکز خدمات کشاورزی که با وسایل متعلق به دولت به امر کشاورزی کمک کند باید فکر عاجلی کرد. همه اینها لازم است تا ما پشت جبهه را تقویت کنیم، نقشه محاصره اقتصادی را که آمریکا تدوین کرده درهم بشکنیم، جهاد کشاورزی فرموده امام خمینی را بخوبی و در تمام ابعاد آن سازمان دهیم.

وام های کشاورزی در صورت
حتمی و خدائی
بمورد نیاز
بمورد نیاز
بمورد نیاز

محاكمة «گروه چهار نفره» در چین نمایندگان مبارز به خاطر قدرت در درون رهبری کنونی چین

جریان دادگاه ویژه پکن، که به پرونده «گروه چهار نفره» رسیدگی می‌کند، همچنان ادامه دارد. در نخستین جلسه دادگاه، کیفرخواست دادستان ویژه دادستانی کل چین علیه گروه ضد انقلابی لین بیاو و چیانگ چینگ (همسر مائوتسه دون) و پیانزده نفر دیگر قرائت شد. برابر کیفرخواست دادستان ویژه، گروه چهار نفره و دستیاران آنان متهم به اعمال فشار و بیگرد رهبران حزبی و کارمندان عالی‌رتبه دولتی، بیرونده سازی و تحت تعقیب قرار دادن عده زیادی از کارکنان و کارمندان دولت و توده های وسیع مردم و سرانجام تسداری کودتای مسلحانه ضد انقلابی هستند. در این دادگاه ویژه، از متهمان فقط ده نفر حضور دارند و شش نفر دیگر آنان درگذشتند.

در کیفرخواست ذکر شده است که جنایات این گروه بطور عمد در سالهای «انقلاب فرهنگی» (که خود مائوتسه دون مبتکر و الهام بخش آن بود) جریان آنرا شخصاً رهبری می‌کرد) انجام گرفته است.

با این که در کیفرخواست از شماره قربانیان سال‌های «انقلاب فرهنگی» ذکر نشده است، اما در آن خاطر نشان شده است که چیانگ چینگ، (همسر مائو) و گروه وی مسئول مرگ ۲۵ هزار نفر و بیگرد و تبعیدزدانی شدن متجاوزان از ناصه‌ها و زانگ هستند. در کیفرخواست اتهامی در مورد سوء قصد به جان مائو تسه دون وجود دارد و در جریان دادرسی، به این اتهام برجستگی خاصی داده می‌شود. بدون تردید گنجاندن چنین اتهامی در کیفرخواست، به فرض صحت آن، نه به خاطر تشدید مجازات متهمان، بلکه هدف کاملاً دیگری را در بر دارد. سازمان دهندگان این دادگاه، علاوه بر هدف‌های دیگری قصد دارند که مسئولیت تمام پیامدهای فاجعه آمیز «انقلاب فرهنگی» و دیگر «آزمایش‌های» و شکست شده مائو را به گردن همسر و دستیاران وی بیندازند، تا بدینوسیله مائو را تبرئه کنند و حتی او را از قربانیان توطئه های ضد انقلاب جلوه دهند!

لازم به یادآوری است که «گروه چهار نفره» در سال ۱۹۷۶ (۱۳۵۵) پس از مرگ مائوتسه دون به اتهام فعالیت ضد انقلابی و توطئه علیه حزب کمونیست و دولت چین دستگیر شده

اند. اما علت رسیدگی به پرونده آنها را در دادگاه، پس از قریب شش سال، باید در مبارزات ایستادگی که پس از مرگ مائو تا کنون، در درون رهبری چین، بر سر قبضه کردن قدرت همچنان جریان دارد.

نمایش دادگاه «گروه چهار نفره»، که بنا به عقیده بسیاری از مفسران خارجی به کارگردانی تنگ شیائوپینگ انجام می‌گیرد، دو هدف عمده را تعقیب می‌کند:

هدف خارجی، یعنی اطمینان دادن به آمریکا و اروپای غربی و ژاپن در مورد این که «افراط کاری‌ها» در چین به پایان رسیده و سال‌های «انقلاب فرهنگی» تکرار نخواهد شد. یعنی آنها با اطمینان می‌توانند روی چین، به عنوان یک طرف قابل اعتماد و بسا ثبات، حساب کنند.

هدف دیگر آن به پایان رسانیدن جریان مبارزه درونی رهبری برای کسب قدرت به نفع تنگ شیائوپینگ و گروه طرفدار وی است.

بنا به عقیده روزنامه‌های ژاپن، هر یک از مواد کیفرخواست علیه «گروه چهار نفره»، نه تنها ده نفر متهم حاضر در دادگاه را در بر می‌گیرد، بلکه به طور غیر مستقیم پای هواکوفنگ، صدر حزب کمونیست چین را نیز به میان می‌کشد. و شاید هدف اصلی این دادگاه، که به کارگردانی تنگ شیائوپینگ اداره می‌شود، بیش از محکوم کردن و به مجازات رساندن متهمان حاضر در دادگاه، وارد کردن ضربه نهایی به هواکوفنگ و گروه او و هموار کردن راه برای رسیدن تنگ شیائوپینگ به آخرین پله قدرت باشد. بر سرسی مراحل جداگانه این تلاش از جانب تنگ شیائوپینگ برای بیرون راندن رقبای خود از میدان مبارزه بر سر قدرت، موبد این امر است.

در فوریه سال ۱۹۸۵ (بهمن ماه ۱۳۵۸) در جریان برگزاری پنجمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین، تنگ شیائوپینگ موفق شد که وان تنگ شیینگ، معاون صدر کمیته مرکزی حزب و سه تن دیگر را، که در سال‌های اوج «انقلاب فرهنگی» به قدرت رسیده بودند و از هواداران هواکوفنگ بودند، از مقام های رهبری برکنار کند و بدین ترتیب مواضع هواکوفنگ را در رهبری حزب تضعیف نماید.

در اجلاس نوبتی مجلس نمایندگان خلق چین، که در پاییز سال جاری

«بهشت! ضیاء الحق»

چند روز پیش، محرکین و رهبران اسلام آباد (پاکستان) گزارشی دادند که ضیاء الحق، دیکتاتور پاکستان، در خطباتی که ایراد کرده است، «از تصور آزادی پیر هیزید، زیرا در جایی یافت نمی‌شود!»

البته اگر منظور از «جایی» قلمرو حکومت خودا بوده، شاید دیگر جای بحث باقی نمی‌ماند. ولی، نه، ضیاء الحق در کمال «تواضع» می‌افزاید:

«پاکستان از نظر آزادی در مقایسه با سایر کشورهای جهان سوم بهشت است!»

ژنرال ضیاء الحق، هنگامی که به درفشانی دربار «آزادی» در پاکستان می‌پردازد که موج ناراضی مردم در کشور همسایه ما علیه سلطه شوم او در دستش و وسعت میگیرد و در رژیم دیکتاتوری پاکستان هر چه بیشتر به اقدامات اختناق آمیز خود می‌افزاید.

همین چند روز پیش، سردار شاه، قاضی برجسته پاکستان و عضو پیشین دیوان عالی آن کشور، که از «بهشت! ضیاء الحق» مجبور به فرار به افغانستان شده است، در مصاحبه‌ای مطبوعاتی در کابل از جنایات ضیاء الحق یکره برداشته و از جمله، گفت:

«رژیم دست نشانده ضیاء الحق، که با مخالفت روز افزون مردم این کشور روبروست، روز بروز بر شدت سرکوب می‌افزاید.»

سردار شاه، ضمن اشاره به موارد مشخص نقض خوشنویسی رموز این دموکراتیک بعنوان نمونه، خاطر نشان ساخت که بلنسی ضیاء الحق «حتی به کنگره» حقوقدانان نیز حمله ور شده است.»

فرمانروای «بهشت آزادی» کوبا فرا موشگر کرده است که خود را زیر بار گذاشتن قوانین موجود پاکستان، به پیش از سه سال پیش حکومت قانونی ذوالفقار علی بھتو را از طریق کودتای نظامی ساقط کرد. در دوران حکومت ضیاء الحق همه سندیکاها و احزاب مخالف ممنوع شدند و حقوق و آزادیهای دموکراتیک، از جمله حق اعتصاب و اجتماع و آزادی مطبوعات لغو گردید. ضیاء الحق، که نخست ربا کارانه وعده برگزینی انتخابات آزاد را میداد، چند روز پس از وعده را به تمویق انداخت و اکنون نیز دیگر سختی در این باره بر زبان نمی‌آورد.

ضیاء الحق، در ضمن فریاد بر مسلمانان می‌رساند که در صحنه بین المللی، در خود پاکستان نیز همواره کوشیده است تا با «سوء استفاده از نام اسلام، بر سر کوبگرهای مستبدانه و سیاست‌های واپس گرایانه خود سرپوش گذازد. وی در سخنرانی پیشگفته خود در کنگره انجمن نویسندگان نیز بار دیگر به این ترفند دست زد و آنها را فراخواند تا «قلمهایشان را در خدمت اسلام بکار برند، اما مردم پاکستان هم بخوبی میدانند که ضیاء الحق همان اسلام آمریکایی است. ضیاء الحق برای آنکه «مسلمانی» خود را بیشتر رساند، حتی برای تکمیل «فن شلاق زنی، قطع اعضای بدن، سنگسار و اعدام» های غمومی، از عربستان سعودی، یکی دیگر از مراکز اسلام آمریکایی - مشاور

وارد کرد است! یکی از هدفهای عمده رژیم ترور و اختناق پاکستان همواره سرکوب کمونیست پاکستان بوده است، که از سال ۱۳۳۳ تا کنون در شرایط مخفی می‌زیست. جلادان ضیاء الحق، در تاریخ ۱۸ مرداد ۵۹۹، رقیب نظیر عباس، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست پاکستان را، پس از شکنجه‌های دهشت بار، به شهادت رسانیدند. از سوی دیگر، جام ساکی، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب، بیش از دو سال و نیم است که در بند زندان ضیاء الحق بسر می‌برد، و بگوای چندین زندانی، برائت و شکنجه‌های وحشیانه، جان‌ش در خطر است. علاوه بر «حزب کمونیست پاکستان» دیگر نیروها و احزاب ملی، مترقی و دموکراتیک و همچنین مسلمانان انقلابی را ستین نیز آماج سرکوبگریهای رژیم ضیاء الحق قرار گرفته‌اند و در مبارزه برای برانداختن بساط دیکتاتوری او شرکت میکنند.

در شهریور ماه پیش، رهبران مهم ترین احزاب پاکستان برای هماهنگی اقدامات خود در جهت لغو حالت فوق العاده و اعاده دموکراسی به کشور در کراچی تشکیل جلسه دادند. چند روز پس از این جلسه، مردم در تظاهرات وسیعی، که در نقاط مختلف پاکستان، از جمله در بلوچستان و پاکستان صورت گرفت، با شعارهای «مرگ سرکوب دیکتاتوری!» و «سرنگون باد رژیم دست نشانده ضیاء الحق!» نعرت خود را از سبتهای حکومت سرسپرده اعلام داشتند.

چندی بعد، حزب دموکراتیک ملی پاکستان، در بیانیه‌ای اظهار داشت: «میورزدا رژیم نامقدس اسلام، دموکراسی را در کشور ما نابود کند، در حالیکه اقدام های این رژیم کاملاً اسلام منافرت دارد.»

اینست تنها گوشه‌ای از «بهشت آزادی» ژنرال ضیاء الحق! چنین نمی‌تواند دیکتاتور پاکستان نیز در این «بهشت!» خود ساخته چندان احساس امن کند، چه خود او در سخنرانی کذا فیش دم خروس را نشان میدهد و میگوید:

«پاکستان آنقدر که از داخل با عناصر مخرب ایدئولوژی روبروست، در معرض خطر مرزی قرار ندارد!»

اینکه هیچ یک از همسایگان پاکستان خطر مرزی برای این کشور پدید نیارند، و در آن، بلکه این خود پاکستان است که سالهاست، بدستور اربابان آمریکا و مسلمانان چینی خود، به تحریک علیه جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان، جمهوری اسلامی ایران و هندوستان مشغول است، و واقعیتی است آنگار، ما در مورد «عناصر مخرب ایدئولوژی» با یادگفت، چنانکه تجربه مبارزات خود ما با رژیم جنایتکار محمدرضا پهلوی نشان میدهد، این نیز برای دیکتاتورهای جدید نیست، که مخالفان خود، یعنی خواستاران استقلال و آزادی را، «خوابکار» بخوانند و آنها را با اتهام «مخرب ایدئولوژی سرکوب کنند. ضیاء الحق «بهشت! پرور نیز از این قاعده مستثنی نیست.

تقسیم سیاسی ...

بقیه از صفحه ۳

ایران و خلق های مسلمان اتحاد شوروی را قطع کرد. این سیاست با شرکت هر چه بیشتری در دوران سلطنت محمدرضا ادامه یافت. ولی مردم جمهوری های مسلمان اتحاد شوروی، بخصوص آنها که هم مرز ایران هستند انقلاب اسلامی ایران را، که به گفته لئونید برزنیف یک انقلاب مردمی، ضد امپریالیستی و آزادی بخش است، با احساس شادمانی و مسرت استقبال کردند. خلق های مسلمان اتحاد شوروی امیدوارند که این انقلاب بتواند موجب تقویت پیوند های تاریخی و فرهنگی دیرین بین آنها و خلق های ایران گردد. متأسفانه محافل معینی در ایجاد و گسترش پیوندهای دوستانه سنتی بین خلق های مسلمان اتحاد شوروی و ایران کرده اند و می‌کنند. در حالی که اتحاد شوروی خواهان برقراری روابط هر چه نزدیک تر بین خلق های مسلمان شوروی و ایران است.

پس رشد انقلاب اسلامی ایران برای اتحاد شوروی، که در کشور خود به هرگونه استثمار و بی‌عدالتی و ستم ملی و اختلاف نژادی، ملی و مذهبی پایان داده است، هیچ «خطری» ایجاد نمی‌کند. آن اسلامی که رشدش برای تمام خلق ها و بیش از همه برای خلق ایران خطرناک است، اسلام سعودی و اسلام ضیاء الحق و اسلام سادات، یعنی اسلام آمریکایی است که می‌خواهد انقلاب ایران را خفه

نقش مهم تحلیل گران در ساختن افکار عمومی

چنانکه میبینیم تحلیل‌های نادرست و اجزایی، خواسته‌ها ناخواسته، زبان بزرگی به رشد افکار عمومی و اردو می‌سازند تحلیل گران سیاسی نقش مهمی در ساختن افکار عمومی بعهده دارند و افکار عمومی در همین انقلابی ما، که بوده‌های وسیع مردم آن در صحنه سیاست حضور دائم دارند، اگر در راه درست بسج شوند نیروی شکست ناپذیر مادی تبدیل خواهند شد. تحلیل گران سیاسی اگر حسن نیتی دارند و میخواهند به این آب و خاک خدمتی کنند، باید نخست خود را از اسارت دنیای یک بعدی سرمایه داری و فرهنگ سیاسی آن رها کنند. و هر چه زودتر، بهتر. و این درباره کسانی است که حسن نیت دارند، نه آنان که غرض دارند و «مدحجاب آزدل بسوی دنده

تفرقه اندازی ...

بقیه از صفحه ۴

۵۹/۶/۶ فرستاده شده بود و بسا خواندن این نامه، می‌توان شناخت صحیح حزب ما را از شرایط کنونی درک کرده جزوه‌ای سرایا توهین و افترا در سطح شهر، با امضای پر مسئولیت «هیئت پاکسازی آموزش و پرورش استان شوهر» منتشر کرده است، که مجدداً بعد از اوج گیری تهاجمات نظامی مزدوران بعثتی از هوا و زمین و دریا، دوشنبه ۵۹/۷/۱۲ نیز تکرار گردیده است، که هر انسان بی‌غرض و مومن به انقلاب را به تعجب و امیدارد، که در چنین شرایطی، با توجه به مواضع اعلام شده حزب توده ایران، که به شهادت اسناد حزبی و صفحات روزنامه نامه مردم، همواره در جهت تأکید و حفظ دستاوردهای انقلاب شکوهمند ضد امپریالیستی و خلقی ایران به رهبری امام خمینی بوده است و بیگیری و بی‌تنبلی ما در این امر بر مسئولان امور نیز پوشیده نیست، چرا باید با چنین یاسخی روبرو

شود و بیشتر این سؤال پیش می‌آید که: چرا این جزوه بازم در لحظات حساس تر، که به قضاوت تاریخ، در کایس روزها را میتوان از هشدارهای مسئولانه ما در همان نامه سرگشاده دید، تکرار شود. تذکر این نکته لازم است که حداقل توقع از یک هیئت مسئول این است که در جواب به نکات و انتقاداتی که از سر دل سوزی و با متانست و وقار انقلابی اعلام می‌شود، ایشان نیز همانگونه رعایت این اصول را بنمایند، که هر برخوردی جز این، فقط تفرقه اندازی، تشنج جو و کل-آلود شدن آب به سود دشمنان انقلاب است، که نهایتاً امپریالیسم از آن بهره خواهد گرفت.

نامه «مردم» از مسئولین کشور و بویژه وزیر جدید آموزش و پرورش، حجت الاسلام دکتر باهنری خواهد که با بررسی مسئله، اجازه ندهند کسانی دانسته و ندانسته با امضای پر مسئولیتی چون «هیئت پاکسازی»، به روش‌های نادرست در نیروهای انقلابی، در شرایط حساس فعلی سنگ بیاندازند.

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک در جنبه متحد خلق

در جلسه علنی دیروز مجلس گفته شد:

مبادا مسیر انقلاب منحرف شود!

اتحاد عامل پیروزی و نفاق باعث شکست است

در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی، که به ریاست علی‌اکبر پرویز شهباز، نماینده امدهای از نمایندگان به جریان‌های اخیر اسکندریه اعتراض کردند و خواستار رسیدگی به مسائلی که در این شهر روی داده است، شدند. در آغاز این جلسه، فوضی حائری نماینده فومن، به‌عنوان اولین ناطق پیش از دستور، درباره میازرات مردم سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«فرد انقلابی اگر تجربه‌های گذشته را زنی روی خود داشته باشد، قوی مانع اشتباه دوباره او می‌شود.»

ناطق سپس ضمن اشاره به دوران استبداد قاجار، میازرات مردم و رهبران آن علیه حکومت قاجار، به‌تشریح شرایط آن دوران پرداخت و افزود:

«در آن دوران فرنگ‌پرستان در کنار ملت و روحانیت همگام انقلاب شدند، ولی بعد از پیروزی انقلاب زخم‌ها شروع شد... رهبر این انقلاب زخمه بود. آن‌ها معیاری را بعد از پیروزی در نظر می‌گذاشتند که آن‌ها خودکندم‌های پر را منزوی کنند و بعد خودشان به کارها بپردازند. علیه روحانیت همه‌جا شایه پخش کردند. آنوقت با کلمات قاتلانه و انصاریطلب که نبوده جایز گفتند اهل و قباایک!»

نماینده فومن در ادامه سخنان خود گفت: «وقتی طایفاتی‌ها، رهبران انقلاب سرخوردند به زمین گذاشتند، تهرانه انقلاب سرخورد شد... چیزی نگذشت که رضاخان میرحج آبد و با یک کودکی انگلیسی خون شهیدای انقلاب متروپیت را پایمال کرد.»

فوضی حائری در پایان هشدار داد که: «مبادا این انقلاب میرش منحرف شود. البته که نخواهد شد، با آن رهبری و آن ملت و شور و هیجان و شناختی که داریم.»

مسلم میرزاپور، سخنران بعدی پیش از دستور، درباره وحدت و روحانیت سخن گفت. وی از جمله اظهار داشت:

«یکی از بزرگترین عواملی که ملت‌پرور و کرد و وحدت بود، اتحاد هیئت عامل پیروزی و نفاق عامل شکست است... امیداست امر امام در مورد اتحاد عملی شود.»

میرزاپور آنگاه درباره روحانیت و مسیر آموزش روحانیون سخن گفت و تأکید کرد که روحانیت به جامعه اتصال دارد و به‌عنوان راهنمای مردم شمرده شده است.

سخنران بعدی، ملکوتی سخنران دیگری پیش از دستور، به مشکلات خاور اشاره و تأکید کرد که: «در خاور باید مشکلات عموم امت را تشریح کرد.»

وی سپس افزود: «مخوب بود که پس از پیروزی انقلاب عوامل مثنی را که باعث پیروزی انقلاب شده بودند بررسی و آن‌ها را نتوانت می‌گردیم. ولی ما این کار را نکردیم. دشمنان کردند و این نفاق مثنی با تصدیق گردید.»

او بعد به تشریح قضایای استبداد پرداخت و گفت: «آیا در عرض ۱۴۰۰ سال برای مسلمانان»

«این چنین شرایطی پیش آمده بود؟ یا منتظر چه هستیم؟ این تفته شویم استیکار، استمرار و استعمار بین‌المللی است. مردم دست از حمایت روحانیون برنداریم.»

او سپس خطاب به «ملی‌گراها» گفت: «هفته بماند اگر قلب امام بایستد، مردم یته شما را ول نمی‌کنند. شما متروپیت چند این قلب پهنه نمی‌کنید. پس کنید! اختلافات را مطرح کنید! وحدت کنید! دشمن را از خاک برانید و اگر عمری مانده غیبت‌ها را تقسیم کنید! بیاید در حال حیات امام قبر او را بنادید و واقعا در خط او حرکت کنید.»

پس از پایان نطق‌های پیش از دستور، مجلس وارد دستور شد. ابتدا علی‌اکبر پرویز شهباز سخنانی گفت:

«آنجایی که درباره اصناف گفتند، مهم نیست زیرا این شهر یکپارچه است و کلاسیک است. شده، با هماهنگی مردم شکست خورد است. سخنرانی در یاد که طرف هر دو بود از یک رفتند و شعار علیه به اصطلاح سه‌مفسدین و نخست‌وزیر دادند و هنگام فیلم‌برداری، یکی از آن‌ها اسانه ادب کرده است... من باید بگویم اصناف را تحریک کرده است... من باید بگویم اصناف بازاری انقلاب و هیئت یاور امام بوده است. مردم اصناف وحدت کامل دارند.»

اعتراض به درج مطالب جلسات سری مجلس

نائب‌رئیس مجلس همچنین اعلام کردند که نمایندگان ارانسه در مجلس از ارانسه کشور خواسته‌اند که به علت وضع خاص کشور اسامیل عبد نکیرند. پروژی به همین مناسبت از ارانسه و کلیه مسیحیان کشور تشکر کرد.

آنگاه حسن آیت به درج مطالب جلسات سری مجلس در روزنامه انقلاب اسلامی اعتراضی و تأکید کرد که آن مطالب تحریف هم شده‌بود. سپس طرح پیشنهادی امدهای از نمایندگان در مورد تربیت تکنیسین بهداشتی در روستاهای که به کمیسیون بهداشتی مجلس ارائه شده بود، برای شور اول تقدیم مجلس گردید.

آنگاه سخنان چندین از نمایندگان آروزیر دادگستری قرائت شد. این سخنان که توسط «حزب اسلام لاهوتی» خوانده شده، در ارتباط با منحه برخورد با نو فر از شرکت کنندگان در بحث آزاد تلویزیون کاتال ۲۲ بود.

پس از وزیر دادگستری مورد قبول سؤال، کنندگان قرار تکرفت و سؤال به کمیسیون سئوالات ارجاع یافت.

آنگاه به‌تصمیم نمایندگان، جلسه مجلس برای شنیدن اخبار مربوط به جبهه‌های جنگ، بطور غیرعلنی به کار خود ادامه داد.

رسانه‌های گروهی شوروی تلاش امپریالیست‌ها را برای مداخله در امور کشورهای سوسیالیستی محکوم کردند

وسایل ارتباط جمعی شوروی خاطرتان کرده‌اند که اجلاس زمستانی پیمان ناتو در بروکسل، که اخیراً به کار خود پایان داده، در حقیقت با شعار تهدید و خاتم اوضاع جهان و مداخله در امور داخلی کشورهای سوسیالیستی، برگزار شد.

روزنامه پرودا، چاپ مسکو، موافقت هم‌پیمانان اروپایی آمریکا را با بحث در مورد اوضاع لهستان، که از جمله خواستهای آمریکا بود، مورد حمله قرار داد.

اتحاد شوروی دروغ خبرگزاری‌های امپریالیستی را افشاء کرد

زامیانتین سخنگوی هیئت نمایندگی رسمی اتحاد شوروی در هند گزارشی‌ها را که توسط خبرگزاری‌های امپریالیستی مبنی بر عبور سربازان شوروی از لهستان

چگونه میتوان از خون شهیدان توده‌های شرم‌نکرد؟

تهرانی، دژخیمی که بر اجساد شهیدانی که زیر شکنجه‌های روحیه‌ناشی قلمی شکسته شده بودند، رقص قلمی می‌کرد و بدام انقلاب افتاد، با افتخار سینه سپر کرد و گفت:

«من توده‌های را می‌کشم. وطنم را انجام می‌دم. آنها خائن بودند.»

سپید بانفالتی، از مجریان اصلی کودتای ام‌یک‌گانه ۲۸ مرداد، همین چند روز پیش در دادگاه انقلاب گفت که برای خدمت به میهن، توده‌های «انجینی» و «مخائن» را کشته است، تا «وطن» را نجات دهد.

این سخنان، که از دهان شوم دژخیمان تاریخ بیرون می‌آید، تازگی ندارد.

۲۵ سال تمام جلادان خلق ایران، از شاه تا نصیری و پختیار، از قاضی تا ژنیاسی و دانه‌پور و اقرا زده‌اند.

۲۵ سال تمام منظومه‌های از ارواح خبیثه ساواک و دربار پهلوی، در همان حال که دژمزه خوک وطن را در ازای زندگانی حیوانی خود به امیرالیسم می‌فروختند، توده‌های را «مخائن» می‌نامیدند.

۲۵ سال تمام، دستکام امیرش و طویل تبلیغاتی شاه، خروارها کافد علیه حزب توده ایران سیاه کردند و توده‌های را مستون پنجم خواند.

جلادانی چون مبرس، در بیدادگانه‌های نظامی شاه، رفیق شهید وزیربان را، که در لحظه اعدام می‌گفت:

«من بظن آزادی وطنم می‌میرم. دستهایم را تندیده. تا لرزش دست دژخیم را به پینه»

«مخائن» لقب می‌دادند. دژخیمان چون سرهنگ ژنیاسی، در همان حال که طفرات خون رفیق خسرو روزبه از انگشتانشان جاری بود، قهرمانی را که یک تنه قضای فغانی و خونین بعد از کودتا را باخروش خود دردم شکست و شاه را بر اریکه قدرت لرزاند، «مخائن» می‌خواندند.

«من بظن آزادی وطنم می‌میرم. دستهایم را تندیده. تا لرزش دست دژخیم را به پینه»

دژخیمان چون سرهنگ ژنیاسی، در همان حال که طفرات خون رفیق خسرو روزبه از انگشتانشان جاری بود، قهرمانی را که یک تنه قضای فغانی و خونین بعد از کودتا را باخروش خود دردم شکست و شاه را بر اریکه قدرت لرزاند، «مخائن» می‌خواندند.

«من بظن آزادی وطنم می‌میرم. دستهایم را تندیده. تا لرزش دست دژخیم را به پینه»

دژخیمان چون سرهنگ ژنیاسی، در همان حال که طفرات خون رفیق خسرو روزبه از انگشتانشان جاری بود، قهرمانی را که یک تنه قضای فغانی و خونین بعد از کودتا را باخروش خود دردم شکست و شاه را بر اریکه قدرت لرزاند، «مخائن» می‌خواندند.

«من بظن آزادی وطنم می‌میرم. دستهایم را تندیده. تا لرزش دست دژخیم را به پینه»

دژخیمان چون سرهنگ ژنیاسی، در همان حال که طفرات خون رفیق خسرو روزبه از انگشتانشان جاری بود، قهرمانی را که یک تنه قضای فغانی و خونین بعد از کودتا را باخروش خود دردم شکست و شاه را بر اریکه قدرت لرزاند، «مخائن» می‌خواندند.

«من بظن آزادی وطنم می‌میرم. دستهایم را تندیده. تا لرزش دست دژخیم را به پینه»

دژخیمان چون سرهنگ ژنیاسی، در همان حال که طفرات خون رفیق خسرو روزبه از انگشتانشان جاری بود، قهرمانی را که یک تنه قضای فغانی و خونین بعد از کودتا را باخروش خود دردم شکست و شاه را بر اریکه قدرت لرزاند، «مخائن» می‌خواندند.

«من بظن آزادی وطنم می‌میرم. دستهایم را تندیده. تا لرزش دست دژخیم را به پینه»

دژخیمان چون سرهنگ ژنیاسی، در همان حال که طفرات خون رفیق خسرو روزبه از انگشتانشان جاری بود، قهرمانی را که یک تنه قضای فغانی و خونین بعد از کودتا را باخروش خود دردم شکست و شاه را بر اریکه قدرت لرزاند، «مخائن» می‌خواندند.

«من بظن آزادی وطنم می‌میرم. دستهایم را تندیده. تا لرزش دست دژخیم را به پینه»

دژخیمان چون سرهنگ ژنیاسی، در همان حال که طفرات خون رفیق خسرو روزبه از انگشتانشان جاری بود، قهرمانی را که یک تنه قضای فغانی و خونین بعد از کودتا را باخروش خود دردم شکست و شاه را بر اریکه قدرت لرزاند، «مخائن» می‌خواندند.

«من بظن آزادی وطنم می‌میرم. دستهایم را تندیده. تا لرزش دست دژخیم را به پینه»

دژخیمان چون سرهنگ ژنیاسی، در همان حال که طفرات خون رفیق خسرو روزبه از انگشتانشان جاری بود، قهرمانی را که یک تنه قضای فغانی و خونین بعد از کودتا را باخروش خود دردم شکست و شاه را بر اریکه قدرت لرزاند، «مخائن» می‌خواندند.

«من بظن آزادی وطنم می‌میرم. دستهایم را تندیده. تا لرزش دست دژخیم را به پینه»

دژخیمان چون سرهنگ ژنیاسی، در همان حال که طفرات خون رفیق خسرو روزبه از انگشتانشان جاری بود، قهرمانی را که یک تنه قضای فغانی و خونین بعد از کودتا را باخروش خود دردم شکست و شاه را بر اریکه قدرت لرزاند، «مخائن» می‌خواندند.

«من بظن آزادی وطنم می‌میرم. دستهایم را تندیده. تا لرزش دست دژخیم را به پینه»

دژخیمان چون سرهنگ ژنیاسی، در همان حال که طفرات خون رفیق خسرو روزبه از انگشتانشان جاری بود، قهرمانی را که یک تنه قضای فغانی و خونین بعد از کودتا را باخروش خود دردم شکست و شاه را بر اریکه قدرت لرزاند، «مخائن» می‌خواندند.

«من بظن آزادی وطنم می‌میرم. دستهایم را تندیده. تا لرزش دست دژخیم را به پینه»

دژخیمان چون سرهنگ ژنیاسی، در همان حال که طفرات خون رفیق خسرو روزبه از انگشتانشان جاری بود، قهرمانی را که یک تنه قضای فغانی و خونین بعد از کودتا را باخروش خود دردم شکست و شاه را بر اریکه قدرت لرزاند، «مخائن» می‌خواندند.

«من بظن آزادی وطنم می‌میرم. دستهایم را تندیده. تا لرزش دست دژخیم را به پینه»

واما...

واما... شرم نمی‌کنند آنان که با جلادان خلق ما و دشمنان انقلاب ما همسخن میشوند؟

چگونه میشود انقلابی بود و روزی در «مخائن» خوانده شود می‌شود مین‌دوست بود و وارطان و کوچک‌و‌شتری را وطن‌فروش دانست؟ چگونه میتوان ایرانی بود و افسران شهید توده‌های را مستون پنجم نامیده این کدام «اخلاق» است؟

و قتل خونین برای خود ادامه داد:

رفیق شهید عسکری دانش شریعت‌پناهی، در خط مقدم جبهه جنگ عادلانه بر ضد تجاروت آمریکایی سدام به خون خویش درغلتید. او جان خود را کنار انقلاب و جمهوری اسلامی ایران کرد. رفیق شهید حاج‌میرزا...

وقتی زنده مسلمان مجروحی را بر شانه خویش به بیمارستان می‌برد، در خون خویش فروخت. در تمامی طول جبهه، توده‌های در دفاع از انقلاب و جمهوری اسلامی ایران جان خویش را نثار کرده‌اند و می‌کنند. یادرفاه، ملک‌زاده‌ها، عیسی‌ها، در خون سرخ فرو می‌گفتند و در فریاد می‌گفتند که با فریاد دیگر مدافعان انقلاب و جمهوری اسلامی ایران درهم گره می‌خورند، پیش از همه چیز فریاد یگانگی ایران، طنین‌انداز است.

و هنوز طایفه جلادان، از رادویی لویسی و پختیار، از دهان سرمایه‌داران وایت و زین-داران بزرگ، از حکومت فسیه و زنجیر، آنها را «مخائن» خطاب می‌کنند. آنها را «وطن‌فروش» می‌خوانند. آنها را «مستون‌پنجم» می‌نامند. و اگر غیر از این بگویند، برای شکستی دفاع از وطن را «مخائن» می‌دانند. دژخیمان هم‌مخلفان، جابجاری در راه آرمان زحمتکشان را «مخاوسی» می‌دانند. برآستی که از آنان غیر از این انتظاری نیست. آسمان جان مغربی خویش را در کلام شوستان فریاد می‌کنند.

و این سند افتخار برای توده‌یابست که دشمنان انقلاب ما و خلق ما، دشمنان استقلال، آزادی و ترقی ایران، دشمنان جمهوری اسلامی ایران یا چنین خصومت و کینه و نفرتی از آنها یاد میکنند.

خبر، ۴ نفر شهید و ۲ نفر مجروح شدند. همین گزارش دادند که برآئی شلیک توپخانه دربره دشمن جانیبار به مناطق سکونی اهواز نیز ۳ نفر شهید و ۱۳ تن مجروح شدند.

خبرگزار دفتر مرکزی خبر از موسس‌گرد نیز گزارش دادند:

در این جبهه رزمندگان انقلاب با برتری قدرت آتش، دشمن را زیر ضربات گرفتند. برآئی آتش خمپاره‌اندازهای برادران جان‌پرگند سپاه پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی ایران در این جبهه تساعت ۱۸ روز یکشنبه تعداد ۱۷ عدد از سنگرهای دشمن نابود شدند.

در روزهای ۲۰ و ۲۱ آذرماه گسروه چریکی رزمندگان مسلمان شاخه پنج استان ایلام، با نفوذ در جبهه دشمن، موفق شدند در یک عملیات ۱۴ ساعته، ۳ خودروه، یک نفر زخمی، یک تانکر آب و یک جیبی را با اسلحه‌های یکتبه چندین منزل سکونی دچار آتش‌سوزی شد و ۶ تن زخمی شدند. همچنین دشمنان متجاوز، روز یکشنبه، با توپخانه دوربرد خود، منطقه سکونی شهر دزفول را مورد هدف قرار دادند، که به گزارش دفتر مرکزی به پایگاه خود بازگشتند.

خبرگزاری پارس نیز، به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، گزارش دادند:

در دگریرهای شدیدی که پرسروز (یکشنبه) برین نیروهای مدافع انقلاب اسلامی و مزدوران سدام در منطقه خود را داد، برادران پاسدار موفق شدند یک موشع خمپاره‌انداز و مقدار زیادی از مهمات دشمن را منهدم و تعدادی از مزدوران رژیم سدام را به هلاکت برسانند. در این دگریرها تلفاتی به نیروهای مدافع انقلاب وارد نشد.

خبرگزاری پارس نیز، به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، گزارش دادند:

در دگریرهای شدیدی که پرسروز (یکشنبه) برین نیروهای مدافع انقلاب اسلامی و مزدوران سدام در منطقه خود را داد، برادران پاسدار موفق شدند یک موشع خمپاره‌انداز و مقدار زیادی از مهمات دشمن را منهدم و تعدادی از مزدوران رژیم سدام را به هلاکت برسانند. در این دگریرها تلفاتی به نیروهای مدافع انقلاب وارد نشد.

خبرگزاری پارس نیز، به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، گزارش دادند:

در دگریرهای شدیدی که پرسروز (یکشنبه) برین نیروهای مدافع انقلاب اسلامی و مزدوران سدام در منطقه خود را داد، برادران پاسدار موفق شدند یک موشع خمپاره‌انداز و مقدار زیادی از مهمات دشمن را منهدم و تعدادی از مزدوران رژیم سدام را به هلاکت برسانند. در این دگریرها تلفاتی به نیروهای مدافع انقلاب وارد نشد.

خبرگزاری پارس نیز، به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، گزارش دادند:

در دگریرهای شدیدی که پرسروز (یکشنبه) برین نیروهای مدافع انقلاب اسلامی و مزدوران سدام در منطقه خود را داد، برادران پاسدار موفق شدند یک موشع خمپاره‌انداز و مقدار زیادی از مهمات دشمن را منهدم و تعدادی از مزدوران رژیم سدام را به هلاکت برسانند. در این دگریرها تلفاتی به نیروهای مدافع انقلاب وارد نشد.

خبرگزاری پارس نیز، به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، گزارش دادند:

در دگریرهای شدیدی که پرسروز (یکشنبه) برین نیروهای مدافع انقلاب اسلامی و مزدوران سدام در منطقه خود را داد، برادران پاسدار موفق شدند یک موشع خمپاره‌انداز و مقدار زیادی از مهمات دشمن را منهدم و تعدادی از مزدوران رژیم سدام را به هلاکت برسانند. در این دگریرها تلفاتی به نیروهای مدافع انقلاب وارد نشد.

خبرگزاری پارس نیز، به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، گزارش دادند:

در دگریرهای شدیدی که پرسروز (یکشنبه) برین نیروهای مدافع انقلاب اسلامی و مزدوران سدام در منطقه خود را داد، برادران پاسدار موفق شدند یک موشع خمپاره‌انداز و مقدار زیادی از مهمات دشمن را منهدم و تعدادی از مزدوران رژیم سدام را به هلاکت برسانند. در این دگریرها تلفاتی به نیروهای مدافع انقلاب وارد نشد.

خبرگزاری پارس نیز، به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، گزارش دادند:

در دگریرهای شدیدی که پرسروز (یکشنبه) برین نیروهای مدافع انقلاب اسلامی و مزدوران سدام در منطقه خود را داد، برادران پاسدار موفق شدند یک موشع خمپاره‌انداز و مقدار زیادی از مهمات دشمن را منهدم و تعدادی از مزدوران رژیم سدام را به هلاکت برسانند. در این دگریرها تلفاتی به نیروهای مدافع انقلاب وارد نشد.

خبرگزاری پارس نیز، به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، گزارش دادند:

در دگریرهای شدیدی که پرسروز (یکشنبه) برین نیروهای مدافع انقلاب اسلامی و مزدوران سدام در منطقه خود را داد، برادران پاسدار موفق شدند یک موشع خمپاره‌انداز و مقدار زیادی از مهمات دشمن را منهدم و تعدادی از مزدوران رژیم سدام را به هلاکت برسانند. در این دگریرها تلفاتی به نیروهای مدافع انقلاب وارد نشد.

خبرگزاری پارس نیز، به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، گزارش دادند:

در دگریرهای شدیدی که پرسروز (یکشنبه) برین نیروهای مدافع انقلاب اسلامی و مزدوران سدام در منطقه خود را داد، برادران پاسدار موفق شدند یک موشع خمپاره‌انداز و مقدار زیادی از مهمات دشمن را منهدم و تعدادی از مزدوران رژیم سدام را به هلاکت برسانند. در این دگریرها تلفاتی به نیروهای مدافع انقلاب وارد نشد.

خبرگزاری پارس نیز، به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، گزارش دادند:

در دگریرهای شدیدی که پرسروز (یکشنبه) برین نیروهای مدافع انقلاب اسلامی و مزدوران سدام در منطقه خود را داد، برادران پاسدار موفق شدند یک موشع خمپاره‌انداز و مقدار زیادی از مهمات دشمن را منهدم و تعدادی از مزدوران رژیم سدام را به هلاکت برسانند. در این دگریرها تلفاتی به نیروهای مدافع انقلاب وارد نشد.

خبرگزاری پارس نیز، به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، گزارش دادند:

در دگریرهای شدیدی که پرسروز (یکشنبه) برین نیروهای مدافع انقلاب اسلامی و مزدوران سدام در منطقه خود را داد، برادران پاسدار موفق شدند یک موشع خمپاره‌انداز و مقدار زیادی از مهمات دشمن را منهدم و تعدادی از مزدوران رژیم سدام را به هلاکت برسانند. در این دگریرها تلفاتی به نیروهای مدافع انقلاب وارد نشد.

خبرگزاری پارس نیز، به نقل از روابط عمومی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران، گزارش دادند:

مروری بر نمایشگاه عکس «جنگ، جنگ است!»



نمایشگاه عکس از جبهه‌های جنگ میهن - مقاومت دلاورانه رزمندگان ایران در برابر تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا که به وسیله رژیم صدام انجام گرفته است - در دانشگاه تهران از ۳۰ آبان تا ۳۰ آذرماه جاری برگزار است.

نمایشگاه که عنوان «جنگ، جنگ است» را بر خود دارد، از جانب انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران ترتیب داده شده است.

نمایشگاه موداستیال شور - انگیز رزمندگان پشت جبهه واقع شده است. از جمله دسته دسته دانش آموزان مدارس تهران - هر روز از ساعت ۹ تا ۳ بعد از ظهر - به نمایشگاه می‌آیند و از نزدیک با جنایات امپریالیسم جهانی و بویژه آمریکا و دستاورد رژیم صدام، در این جنگ تجاوزی و تحمیلی و نیز درس عبرتی که هم‌بینان در مقاومت دلیرانه خود به ذهن می‌دهند آشنا می‌شوند.

یکی از برآیندهای نمایشگاه، در گفتگو با خبرنگار نامه مردم در مورد هدف از برپایی نمایشگاه چنین می‌گوید: «بسی از برادران و خواهران ما، سعادت شرکت در جنگ را یافته‌اند. ما که در پشت جبهه‌ها، باید کارهایمان را به مردمی که از جبهه دورند، نشان بدهیم.

نگاهی به جنگ سیاسی

«جنگ سیاسی» اکنون بصورت یکی از برنامه‌های ثابت کمیته‌های اسلامی ایران - شبکه اول - درآمد است، که هر شب شنبه، پیش از اخبار پخش می‌شود. در این جنگ، سبب آنکه در چند هفته گذشته دیده شدیم - سعی بر اینست که مسائل سیاسی و خارجی هفته گذشته جمع‌بندی و تحلیل شود. این بخودی خود هدف ارزشمندی است که می‌تواند با پوشش وسیع تلویزیون در میان توده‌ها، برداشش سیاسی آنها بیافزاید و به بسج توده‌ها علیه دشمنان داخلی و خارجی کمک ارزنده‌ای برساند.

باید گفت که «جنگ سیاسی» که با استفاده از تکنیک فیلم‌برداری و ژنرال‌های صبری و بویژه نمایش فیلم‌های مستند، می‌کوشد از نظر شکل کامل باشد، در سمت اساسی محتوای خود قابل تأیید است. این «جنگ» تاکنون برغم برنامه‌های غیرقابل قبول آن درباره لیبان، در مجموع در خدمت افشای توطئه‌های امپریالیسم و ترغیب‌های آن در ایران و جهان بوده است.

اما متأسفانه برخی برخوردها به سبب، سبب، این جنگ، در برنامه این هفته «جنگ» که عصر جمعه ۲۱ آذر پخش شده، در کنار تفسیر درست درباره نقش انقلابی سوریه در پشتیبانی از انقلاب ایران و مصاحبه با آقای مصطفی تبریزی، نمایشنامه مجلس

شورای اسلامی، دو نقش جدی دیده می‌شود: اولین نقش مربوط به فیلمی بود که در آن از «ماتو» بعنوان یک فرد «رادیکال» ستایش می‌شد و همه جنایاتی که مائوئیست‌ها، یا رهبری مائو و براساس نظریات او زیر پوشش «انقلاب فرهنگی» و «جبهه‌بزرگ» انجام داده‌اند، به حساب «لیبرال‌های» چین نوشته می‌شد.

باید گفت که این ارزیابی از موقعیت چین در گذشته و امروزه، یک‌پارچه نیست. است و تکنیک هیئت حاکمه چین به‌در گرو «لیبرال» و «رادیکال»، که مائو نماینده دومی باشد، بی‌رواقیت تاریخی منطبق نیست. امیدواریم تهیه‌کنندگان این فیلم، که حسن‌نیت کامل و با توجه به خطری که از جانب لیبرال‌ها انقلاب ایران را تهدید می‌کند، آن را تهیه کرده‌اند، از این پس به این واقعیت توجه کنند.

نقش دیگر «جنگ» این هفته در انعکاس مصاحبه با خبرنگار شبکه تلویزیونی قبی - بی - اس - آمریکا بود که برای تهیه گزارش از جبهه‌های نبرد، همراه خبرنگاران دیگر، به ایران دعوت شده، و مطابق گزارش همه روزنامه‌های کشور، بازم اخبار تحریف‌شده مخابره کرده است.

در این مصاحبه، که حتماً هدف از آن افشای خبر عملکردهای خبرنگاران امپریالیستی بود، خبرنگار آمریکایی مدعی شد که، «مسائل ارتباط جمعی آمریکا آماده انتشار اوراقیات انقلاب ایران هستند، ولی چون دولت ایران مانع

دوستانه شب، پیش از اخبار، یخنی دیگر از سریال‌تکان‌دهنده سرخوستان‌های آمریکا از شبکه اول تلویزیون پخش شد. در این سریال، که توسط «گروه جوان» سازمان جهانی اسلامی ایران ساخته شده، جنایات موحش امپریالیست‌ها و بویژه یانکی‌ها در کنار بیرحمانه سرخوستان - این صاحبان اصلی قاره آمریکا - بصورت یک سند تاریخی، که لحظه لحظه آن با قلم‌های کودکان بی‌زبان، بی‌مردان، زنان و مردان سرخوستان نوشته شده، ارائه می‌شود.

ببینندگان تلویزیونی در قسمت‌های قبلی با سابقه تاریخی هجومی قاره آمریکا، که پیش‌از آن استعمارگران پرتغالی و اسپانیایی بودند، آشنا شدند، و همچنان که پیش آمده، با یک‌کردن قاره از تمدن

چهارشنبه شب گذشته تلویزیون شبکه اول، نمایش کوتاهی را بنام «شادروان عیسی آهنگر» پخش کرد. این نمایش، که علیرضا مجمل و جاکوئیل الهی نقش‌هایش را ایفا می‌کردند، به جنگ ارتجاعی داشت و نشان می‌داد که چگونه یک «آهنگر» در جنگ شرکت می‌کند.

نمایش، که نویسنده آن اسماعیل خلیج - چهره آشنای نمایشنامه‌نویس - است، در واقع آفتابش تازماری از نمایشنامه دیگر خلیج است، که چندسال پیش، با نام «جبهه‌کشی» اجراهای متعدد داشت. خلیج، که دارای استعداد درام‌نویسی در حد مطلوب بود، بویژه تسلط کاملی بر زبان کوچه و بازار و اصطلاحات و رسومات قوم‌خانه - این محل مجمع قدیمی مردم ایران - داشت. این استعداد و تسلط، متأسفانه از آنجا که پشتوانه علمی نداشت، معوق نیافت و در سطح عادات و رسومات باقی ماند و در نتیجه شکل دلپذیر آثار خلیج از محتوا خالی شد. سپس ددروان خاصی این محتوا - بویژه در نمایشنامه‌های خلیج در «چشم‌هنگر» سمت انحرافی پیدا کرد. اکنون، بار دیگر خلیج، این بار از طریق تلویزیون، به صحنه می‌آید. نظر میرسد که خلیج گوشه‌ای است انقلاب بزرگ ایران را دریابد و در جهت آن کام برود. این مایه خوشحالی است. اما هنوز هم سبب آنکه نمایش کوتاه «شادروان عیسی آهنگر» نشان می‌دهد - خلیج متأسفانه در سطح مانده است و شکل دلپذیر آثار و در خدمت محتوای است که این بار سرچند

و رود آنها نشود. قادر به این کار نیستند. این خبرنگار، بشود خبرنگاران چراسد آمریکائی، گستاخانه ادعا کرد که آمریکا در توطئه‌های ایران دست ندارد. همه مشکلات از «گروگان‌گیری» است و تهاجم نظامی آمریکا هم برای نجات «گروگان» بوده است. این خبرنگار ادعا کرد، هنگامیکه آمریکائی‌ها (یعنی جاسوس‌های آمریکائی) در ایران کار می‌کنند، هستند، دانشجوین ایرانی بدون هیچگونه دست و پا حمایت پلری آمریکا در واشنگتن تظاهرات می‌کنند.

ببینندگان تلویزیون منتظر بودند که بلافاصله این دوره‌ها و نیرنگ‌های خبرنگار آمریکائی افشا شود. اما متأسفانه گویند به گفتن جمله: «این البته ادعاهای خبرنگار آمریکائی است» بسنده کرد و وعده داد که در هفته آینده، با نشان دادن فیلم‌حمله پلیس آمریکا به دانشجویان ایرانی، خبرنگار را رسوا کند.

بمنظر ما، در این قبیل برنامه‌ها، اگر بلافاصله دست ضمن روشن شود و با ارائه واقعیت، دوغیاتی بر ملا نکرده، برنامه کارائی لازم را نخواهد داشت. از آنجا که در پخش این مصاحبه فوری نبوده، می‌شد آنها شکست و با تهیه پاسخ آن‌همچنین ارائه اخبار تحریف‌شده، که همین‌خبرنگار از ایران مخابره کرده، بطور هم‌زمان‌یکار دیگر از سیاست‌های امپریالیسم آمریکارا در پیشگاه توده‌ها رسوا کرد.

سرخپوست‌ها هم «گروگان» گرفته بودند!

دفاع از حداقل زندگی است که در قلم‌ها و رمان‌های آمریکائی، «وحشیگری» و «آدمکشی» سرخپوست‌ها تبلیغ شده است. سریال نه تنها از ماهیت این قبیله‌ها، که در پستان خود نام‌های «سرخپوست» کارگردانان آمریکائی، مانند «جان فورد» را دارد برده برمی‌دارد، بلکه بروشنی تمام درنده‌خوشی امپریالیسم را، که از ماهیت آن برمی‌خیزد نشان می‌دهد.

مثل این است که سرخپوست‌های آمریکا هم «گروگان» گرفته بودند. به این خاطر باید می‌دانستند.

سریال، برنامه‌هایی مشابه، درباره جنایات امپریالیسم آمریکا در حق دیگر اقلیت‌های این کشور، از قبیل سیاهان، پورتوریکوئی‌ها، مکزیکی‌ها و... تهیه و از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شود.

نمایشنامه «شادروان عباس آهنگر»

عیسی آهنگر نویسنده، او را مانند میزند جواسی نمی‌آید. عیسی آهنگر مانند رفته عشق پرواز کرده و منقلا به جبهه رفته است. و همین‌جاست که این شکل از محتوای انقلابی خالی است. در شرایطی که جلیوفا ایرانی، آگاهانه به میدان‌های نبرد می‌روند، تا در راه دفاع از بین انقلابی شهید شوند، در شرایطی که رزمندگان جبهه و پشت جبهه مدرستی دشمن رودروی خود را می‌شناسند و با آگاهی کامل به نبرد با امپریالیسم آمریکا می‌روند، عیسی آهنگر نمایش «خلیج» نمی‌داند چرا به جنگ می‌رود، او هدفی ندارد. او در واقع تنها بخاطر اینکه دیگران فکر می‌کنند مرده است، به جبهه می‌رود. او هیچ آرمانی ندارد و چنین است، که قربان بر آرمان نمایش عیسی آهنگر، علیرغم رنگ و روی ظاهری نمایش، مبلغ برهنگی و بی‌آرمانی است. و این یک اثر انقلابی نیست. هرماند یک ستاره که پخش چنین نمایشی، که در نهایت حسن نیت، بی‌غرضانه «تجربه» قابل قبول است، در شرایط فعلی کشور ضرورتی ندارد. آیا اکنون که همه نیروها در خدمت بسی خلق علیه آمریکا است، نمی‌توان آثار بی‌تیرمندی برای بسج توده‌ها به نمایش درآورد؟

همانطور که گفتیم، همه اصل‌این نمایش، همان مضمون «جبهه‌کشی» است. بعد از اینکه گره نمایش در اینجا باز می‌شود - و در این حد می‌شد آن را بعنوان یک میان‌برده پذیرفت - عیسی آهنگر می‌گوید که قصد دارد به فکر افتد. می‌گوید که بعد از این حادثه فکر افتاده که بی‌جنگ می‌رود. قوم‌جویی می‌رسد: چرا؟ و عیسی آهنگر می‌گوید: «نمی‌دانم. در محاوره نسبتاً طولانی در این زمینه، معلوم می‌شود که عیسی آهنگر می‌خواهد به جبهه برود، اما نمی‌داند چرا می‌خواهد این کار را بکند. در پایان زیبای نمایش، وقتی قوم‌جویی کنار در قوم‌خانه، مرغ عشق را آزاد می‌کند و به پشت سر خود می‌گرداند.

باستانی «نمایشگاه» و دیگر سرخپوست‌ها، از طریق قارت و کشتار آنها، به دورانی رسیدند که دولت ایالات متحده آمریکا شمالی تاسیس شد. از این پس رابطه دولت آمریکا با سرخپوستان چیزی غیر از کشتار و قارت نیست. سریالان آمریکائی به قبیله‌های سرخپوستان حمله می‌کردند، و برخلاف معاهده‌هایی که خود با روسای قبایل امضاء کرده بودند، آنها را از زمین‌های حاصلخیز می‌رانند. دولت آمریکا در واقع تسخیر همه زمین‌های سرخپوستان و از میان بردن نسل آنها را در همه دوران‌ها - حتی در عهد آن روسای جمهوری، که به «انسان‌دوستی» معروف شده‌اند - هدف خود قرار داده است. و سرخپوستان، که با این کشتارهای بیرحمانه روبرو بوده‌اند، بناچار دفاع از خود پرداخته‌اند. ماجرای همین

نمایش، که نویسنده آن اسماعیل خلیج - چهره آشنای نمایشنامه‌نویس - است، در واقع آفتابش تازماری از نمایشنامه دیگر خلیج است، که چندسال پیش، با نام «جبهه‌کشی» اجراهای متعدد داشت. خلیج، که دارای استعداد درام‌نویسی در حد مطلوب بود، بویژه تسلط کاملی بر زبان کوچه و بازار و اصطلاحات و رسومات قوم‌خانه - این محل مجمع قدیمی مردم ایران - داشت. این استعداد و تسلط، متأسفانه از آنجا که پشتوانه علمی نداشت، معوق نیافت و در سطح عادات و رسومات باقی ماند و در نتیجه شکل دلپذیر آثار خلیج از محتوا خالی شد. سپس ددروان خاصی این محتوا - بویژه در نمایشنامه‌های خلیج در «چشم‌هنگر» سمت انحرافی پیدا کرد. اکنون، بار دیگر خلیج، این بار از طریق تلویزیون، به صحنه می‌آید. نظر میرسد که خلیج گوشه‌ای است انقلاب بزرگ ایران را دریابد و در جهت آن کام برود. این مایه خوشحالی است. اما هنوز هم سبب آنکه نمایش کوتاه «شادروان عیسی آهنگر» نشان می‌دهد - خلیج متأسفانه در سطح مانده است و شکل دلپذیر آثار و در خدمت محتوای است که این بار سرچند

نمایش، که نویسنده آن اسماعیل خلیج - چهره آشنای نمایشنامه‌نویس - است، در واقع آفتابش تازماری از نمایشنامه دیگر خلیج است، که چندسال پیش، با نام «جبهه‌کشی» اجراهای متعدد داشت. خلیج، که دارای استعداد درام‌نویسی در حد مطلوب بود، بویژه تسلط کاملی بر زبان کوچه و بازار و اصطلاحات و رسومات قوم‌خانه - این محل مجمع قدیمی مردم ایران - داشت. این استعداد و تسلط، متأسفانه از آنجا که پشتوانه علمی نداشت، معوق نیافت و در سطح عادات و رسومات باقی ماند و در نتیجه شکل دلپذیر آثار خلیج از محتوا خالی شد. سپس ددروان خاصی این محتوا - بویژه در نمایشنامه‌های خلیج در «چشم‌هنگر» سمت انحرافی پیدا کرد. اکنون، بار دیگر خلیج، این بار از طریق تلویزیون، به صحنه می‌آید. نظر میرسد که خلیج گوشه‌ای است انقلاب بزرگ ایران را دریابد و در جهت آن کام برود. این مایه خوشحالی است. اما هنوز هم سبب آنکه نمایش کوتاه «شادروان عیسی آهنگر» نشان می‌دهد - خلیج متأسفانه در سطح مانده است و شکل دلپذیر آثار و در خدمت محتوای است که این بار سرچند

نمایش، که نویسنده آن اسماعیل خلیج - چهره آشنای نمایشنامه‌نویس - است، در واقع آفتابش تازماری از نمایشنامه دیگر خلیج است، که چندسال پیش، با نام «جبهه‌کشی» اجراهای متعدد داشت. خلیج، که دارای استعداد درام‌نویسی در حد مطلوب بود، بویژه تسلط کاملی بر زبان کوچه و بازار و اصطلاحات و رسومات قوم‌خانه - این محل مجمع قدیمی مردم ایران - داشت. این استعداد و تسلط، متأسفانه از آنجا که پشتوانه علمی نداشت، معوق نیافت و در سطح عادات و رسومات باقی ماند و در نتیجه شکل دلپذیر آثار خلیج از محتوا خالی شد. سپس ددروان خاصی این محتوا - بویژه در نمایشنامه‌های خلیج در «چشم‌هنگر» سمت انحرافی پیدا کرد. اکنون، بار دیگر خلیج، این بار از طریق تلویزیون، به صحنه می‌آید. نظر میرسد که خلیج گوشه‌ای است انقلاب بزرگ ایران را دریابد و در جهت آن کام برود. این مایه خوشحالی است. اما هنوز هم سبب آنکه نمایش کوتاه «شادروان عیسی آهنگر» نشان می‌دهد - خلیج متأسفانه در سطح مانده است و شکل دلپذیر آثار و در خدمت محتوای است که این بار سرچند

نمایش، که نویسنده آن اسماعیل خلیج - چهره آشنای نمایشنامه‌نویس - است، در واقع آفتابش تازماری از نمایشنامه دیگر خلیج است، که چندسال پیش، با نام «جبهه‌کشی» اجراهای متعدد داشت. خلیج، که دارای استعداد درام‌نویسی در حد مطلوب بود، بویژه تسلط کاملی بر زبان کوچه و بازار و اصطلاحات و رسومات قوم‌خانه - این محل مجمع قدیمی مردم ایران - داشت. این استعداد و تسلط، متأسفانه از آنجا که پشتوانه علمی نداشت، معوق نیافت و در سطح عادات و رسومات باقی ماند و در نتیجه شکل دلپذیر آثار خلیج از محتوا خالی شد. سپس ددروان خاصی این محتوا - بویژه در نمایشنامه‌های خلیج در «چشم‌هنگر» سمت انحرافی پیدا کرد. اکنون، بار دیگر خلیج، این بار از طریق تلویزیون، به صحنه می‌آید. نظر میرسد که خلیج گوشه‌ای است انقلاب بزرگ ایران را دریابد و در جهت آن کام برود. این مایه خوشحالی است. اما هنوز هم سبب آنکه نمایش کوتاه «شادروان عیسی آهنگر» نشان می‌دهد - خلیج متأسفانه در سطح مانده است و شکل دلپذیر آثار و در خدمت محتوای است که این بار سرچند

نمایش، که نویسنده آن اسماعیل خلیج - چهره آشنای نمایشنامه‌نویس - است، در واقع آفتابش تازماری از نمایشنامه دیگر خلیج است، که چندسال پیش، با نام «جبهه‌کشی» اجراهای متعدد داشت. خلیج، که دارای استعداد درام‌نویسی در حد مطلوب بود، بویژه تسلط کاملی بر زبان کوچه و بازار و اصطلاحات و رسومات قوم‌خانه - این محل مجمع قدیمی مردم ایران - داشت. این استعداد و تسلط، متأسفانه از آنجا که پشتوانه علمی نداشت، معوق نیافت و در سطح عادات و رسومات باقی ماند و در نتیجه شکل دلپذیر آثار خلیج از محتوا خالی شد. سپس ددروان خاصی این محتوا - بویژه در نمایشنامه‌های خلیج در «چشم‌هنگر» سمت انحرافی پیدا کرد. اکنون، بار دیگر خلیج، این بار از طریق تلویزیون، به صحنه می‌آید. نظر میرسد که خلیج گوشه‌ای است انقلاب بزرگ ایران را دریابد و در جهت آن کام برود. این مایه خوشحالی است. اما هنوز هم سبب آنکه نمایش کوتاه «شادروان عیسی آهنگر» نشان می‌دهد - خلیج متأسفانه در سطح مانده است و شکل دلپذیر آثار و در خدمت محتوای است که این بار سرچند

نمایش، که نویسنده آن اسماعیل خلیج - چهره آشنای نمایشنامه‌نویس - است، در واقع آفتابش تازماری از نمایشنامه دیگر خلیج است، که چندسال پیش، با نام «جبهه‌کشی» اجراهای متعدد داشت. خلیج، که دارای استعداد درام‌نویسی در حد مطلوب بود، بویژه تسلط کاملی بر زبان کوچه و بازار و اصطلاحات و رسومات قوم‌خانه - این محل مجمع قدیمی مردم ایران - داشت. این استعداد و تسلط، متأسفانه از آنجا که پشتوانه علمی نداشت، معوق نیافت و در سطح عادات و رسومات باقی ماند و در نتیجه شکل دلپذیر آثار خلیج از محتوا خالی شد. سپس ددروان خاصی این محتوا - بویژه در نمایشنامه‌های خلیج در «چشم‌هنگر» سمت انحرافی پیدا کرد. اکنون، بار دیگر خلیج، این بار از طریق تلویزیون، به صحنه می‌آید. نظر میرسد که خلیج گوشه‌ای است انقلاب بزرگ ایران را دریابد و در جهت آن کام برود. این مایه خوشحالی است. اما هنوز هم سبب آنکه نمایش کوتاه «شادروان عیسی آهنگر» نشان می‌دهد - خلیج متأسفانه در سطح مانده است و شکل دلپذیر آثار و در خدمت محتوای است که این بار سرچند

نامه مردم

انجمن مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: نمایان ۱۶ آذر شماره ۲۸ (دقت نامه «مردم» هنوز در اختیار نامه «مردم» نیست)

NAMEH MARDOM No. 396 16 December 1980

Price: West-Germany 0.80 DM France 2 Fr. Austria 8 Sch. England 20 P. Belgium 10 Fr. Italy 350 L. U.S.A. 40 Cts Sweden 1.50 Skr.

کامک مالی نه حزب توده ایران تک‌وسطه انقلابی است!

دوست عزیز لطفاً از قلم، هدیه شما رسید. بهوش یکسکه ربی

ملاصدان می‌توانند کمک مالی خود را بحساب بانکی به نام قلم‌نشر و به شماره ۳۳۳۳ شنبه ۴۱۸ بانک ملی ایران (شعبه‌مخدا) بخوابانند. شهید دکتر حسین فلسفی بیرازند

ضمیمه نامه «مردم» انتشار یافت